

باسمه تعالی

گزیده ای از کتاب "آموزش فقه"

محمد حسین فلاح زاده

جهت محتوای مسابقات احکام فرهنگیان – سال تحصیلی ۹۵-۹۶

فهرست عناوین

جایگاه فقه و احکام
وظایف مکلفین نسبت به احکام
شرایط تکلیف
تقسیم احکام
اقسام احکام تکلیفی
اقسام واجب
اجتهاد
تقلید
منابع فقه
فعل معصوم
تقریر معصوم
عقل و اجماع
مرجع تقلید و شرایط آن
بقاء بر تقلید از میت
راههای تشخیص اجتهاد و اعلمیّت مرجع تقلید
تغییر دادن مرجع تقلید
راههای بدست آوردن فتوای مجتهد
حکم عمل بدون تقلید
احتیاط
فرق بین احتیاط واجب و احتیاط مستحب
حکم و فتوا و فرق آن دو
اختلاف فتوا با حکم
طهارت
کارهای وضو
احکام وضو
شستن صورت و دستها
مسح سر

مسح پا
مسائل مشترک مسح سر و پا
وضوی ارتماسی
چگونگی وضوی افرادی که دست یا پایشان قطع شده
۱- قطع دست :
۲- قطع پا :
۳ قطع دست و پا :
احکام شرایط وضو
شرایط آب وضو
شرایط اعضای وضو
شرایط کیفیت وضو
۱ ترتیب
۲ مؤالات
۳ از دیگران کمک نگیرد
شرایط وضو گیرنده
دو مسأله :
وضوی جبیره ای
چند مسأله :
حکم شک در وضو و اعمال آن :
چند مسأله :
احکام وضو
برای چه کارهایی باید وضو گرفت
چند مسأله :
۳ مس در موارد زیر حرام نیست :
برای این کارها وضو گرفتن مستحب است :
مواردی که وضو باطل می شود
چگونه وضو باطل می شود؟
مستحبات و مکروهات وضو
مستحبات وضو
مکروهات وضو
مسائل متفرقه وضو
حکم کلی
استفتاء

غسل و اقسام آن
اقسام غسل :
عوامل جنابت و مسایل آن
غسل جنابت
عوامل جنابت :
کارهایی که بر جنب حرام است
توقف در مساجد .
دو مسأله :
سوره های سجده دار قرآن
انجام غسل
نحوه انجام غسل :
حکم کلی
احکام غسل
شکیات غسل
شک در انجام غسل (نمی داند غسل کرده یا نه
شک در صحت غسل
غسل مس میت
تیمم
چند مسأله :
استفتاء
چگونه تیمم کنیم ؟
اعمال تیمم
چند مسأله :
شرایط صحت تیمم
احکام تیمم
طهارت (۲)
نجاسات
احکام مردار
انواع نجاسات
احکام نجاسات
احکام ادرار و مدفوع
احکام مردار
مواردی که حکم به طهارت آنها می شود

حکم اشیاء چرمی
احکام فرآورده های لبنیاتی
دو حکم کلی
احکام خون
در موارد زیر حکم به طهارت می شود
احکام شراب
استفتاء
کافر و احکام آن
این افراد کافر و نجس هستند :
چند مسأله :
چگونه چیز پاک نجس می شود؟
چند مسأله :
احکام تخلی (توالت رفتن)
مستحب :
مکروه :
مکانهایی که تخلی در آنها حرام است :
تطهیر مخرج بول و غایط
وقت نماز
نمازهای واجب
خاک
گیاه (۶۹)
استفتاء
وظیفه کسی که نمی تواند بطور معمول سجده کند
بعضی از مستحبات سجده :
سجده واجب قرآن
تشهد
سلام
ترتیب
مُوالات
قنوت
تعقیب نماز
استفتاء
مُبطلات نماز
احکام مبطلات نماز

سخن گفتن
استفتاء
خندیدن و گریستن
روی از قبله برگرداندن :
بر هم زدن صورت نماز
شکایات نماز
اقسام شک در نماز
شک در اجزای نماز
شک در رکعات
شکهایی که نماز را باطل نمی کند :
شک در رکعات نماز چهار رکعتی
چند قانون کلی
شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد
توضیح
شک بعد از وقت
شک کثیرالشک
وظیفه کثیرالشک
الف - شک در رکعات نماز :
ب - شک در اجزای نماز :
شک امام و ماءموم
شک در نماز مستحبی
وظیفه نماز گزار :
شک در اصل نماز
شک در انجام نماز
شک در صحت نماز
مسأله :
حکم گمان در نماز
نماز احتیاط
فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر :
استفتاء
سجده سهو
واجب :
احتیاط واجب :

اجزای فراموش شده نماز
استفتاء
مکانهایی که نماز تمام است
نماز جماعت
اهمیت نماز جماعت
استفتاء
شرایط نماز جماعت
توضیح :
استفتاء
شرایط امام جماعت
امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد :
مسأله :
استفتاء
نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح است :
مسأله :
نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح نیست :
استفتاء
چگونگی اقتدا به امام جماعت
رکعت اول
رکعت دوم
رکعت سوم
رکعت چهارم
وظیفه مأموم در نماز جماعت
چگونگی پیروی مأموم
مسأله :
احکام نماز جماعت
استفتاء
برخی از مستحبات و مکروهات نماز جماعت
نماز جمعه
اهمیت نماز جمعه
چگونگی نماز جمعه و شرایط آن
واجبات :
مستحبات :

شرایط نماز جمعه
وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه ها
محتوای خطبه ها
خطبه اول :
خطبه دوم :
ویژگیهای امام جمعه
استفتاء
وظیفه نمازگزاران جمعه :
نماز آیات
چگونگی نماز آیات
رکعت اول
رکعت دوم
احکام نماز آیات
روزه
روزه های واجب
روزه های حرام
روزه های مستحب
استفتاء
روزه های مکروه
نیت روزه
نیت روزه
استفتاء
مبطلات روزه
خوردن و آشامیدن
تزریق آمپول
رساندن غبار غلیظ به حلق
دروغ بستن به خدا و پیغمبر
در این موارد روزه باطل نیست :
قی کردن
کارهایی که بر روزه دار مکروه است
قضا و کفاره روزه
روزه قضا
کفاره روزه

احکام قضا و کفاره روزه

استفتاء

روزه مسافر

حکم روزه مسافر

به سفر رفتن

از سفر برگشتن

راههای ثابت شدن اول ماه

تخلف از مقررات دولت اسلامی

زکات

خمس

جایگاه فقه و احکام

سعادت بشر در این جهان و جهان آخرت در گرو عمل به برنامه های اسلامی و تطبیق برنامه های روزمره در تمام زوایای آن - چه فردی و چه اجتماعی - بر قوانین نجات بخش اسلام می باشد.

برنامه های اسلام به سه دسته تقسیم می شود:

الف : برنامه های اعتقادی (اصول دین).

ب : دستورهای عملی (فروع دین یا احکام).

ج : مسائل روانی (اخلاق).

دسته اول

برنامه هایی است در رابطه با سالم سازی فکر و اعتقاد انسان و مکلف باید نسبت به آنها یقین کند و آنها را از روی دلیل بپذیرد و چون این بخش از برنامه های اسلام اعتقادی است و نیاز به یقین دارد

پیروی از دیگران (تقلید) در آنها راه ندارد گرچه می توان از راهنمایی دیگران برای تحصیل یقین بهره مند گردید.

دسته دوم

که برنامه های عملی است

مشمول بر <<بایدها>> و <<نبایدها>>یی است که با انجام و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقق می یابد؛ مانند خواندن نماز و پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و سرقت .

دسته سوم

برنامه هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که شیوه تقویت صفات پسندیده ؛ مانند عدالت

سخاوت

شجاعت و عزت در نهاد انسانها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت ؛ مانند حسد

بخل

نفاق را بیان می کند.

کتب فقهی که با تلاش شبانه روزی دانشمندان اسلامی به رشته تحریر در آمده در بردارنده دسته دوم از مسائل دینی است که احکام نام دارد.

وظایف مکلفین نسبت به احکام

شخص مکلف برای شناخت و پی بردن به آن امر و نهی ها

باید اجتهاد کند و از منابع مربوط

بدانهداست یابد یا از کسی که با اجتهاد احکام را استنباط کرده تقلید کند و یا به احتیاط عمل نماید.

بنابراین وظیفه مکلف نسبت به برنامه های عملی اسلام یکی از این سه امر است :

(اجتهاد)

(تقلید)

(احتیاط)

شرایط تکلیف

آدمی با گوهر گرانبهای تفکر و تعقل و قوه انتخاب و اختیار از دیگر موجودات متمایز است و کرامت مسوولیت تکالیف الهی به او ارزانی شده

که با عمل به آنها به سعادت ابدی خواهد رسید.

افرادی که دارای شرایط ذیل باشند مکلف به آن تکالیف خواهند بود:

— بلوغ

— عقل

— قدرت .

بنابراین فرد عاقل و بالغ که قادر بر انجام وظایف شرعی باشد

در مقابل امرها و نهی های الهی مسوولیت دارد و در صورت سرپیچی از آنها

عذاب خواهد شد و به پاداش اطاعت از آن فرامین هم خواهد رسید. پس کودکان و افراد دیوانه و کسی که قدرت بر انجام واجبات ندارد

مکلف نبوده و عملی بر او واجب یا حرام نیست . از این روست که اگر دیوانه یا طفل دروغ بگوید

یا نماز نخواند عذاب نمی شود

گرچه - از فضل الهی - در موارد بسیاری

اعمال نیک آنها ثواب دارد؛ مثل این که اگر طفلی به طور صحیح نماز بخواند یا حج بجا آورد

پاداش دارد. امامکلف بر انجام این اعمال نمی باشد و در صورت ترک آنها عذاب نخواهد شد.

گفتنی است ولی آنها و نظام اسلامی نسبت به بسیاری از اعمال ناپسند آنها مسئولند و به همین سبب بر ولی طفل است که او را از تجاوز به حقوق مردم باز دارد و بر حاکم است که جهت حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت او را تنبیه کند.

تقسیم احکام

در یک تقسیم کلی

تمام احکام دینی را به دو دسته تقسیم کرده اند:

-- تکلیفی

-- وضعی

دسته اول

احکامی است که تکلیف و وظیفه انسان را نسبت به اعمال و رفتار وی مشخص می کند

مانند واجب بودن نماز و حرام بودن ظلم .

دسته دوم

احکامی است که وضعیت و کیفیت اشیاء را در ارتباط با اعمال انسان مشخص می کند

مثل صحیح بودن نماز یا باطل بودن روزه

طهارت برخی اشیاء و نجاست برخی دیگر.

اقسام احکام تکلیفی

۱ واجب ؛ عملی است که انجامش لازم است و ترک آن عذاب دارد

مانند نماز.

۲ حرام ؛ عملی است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد

مانند دروغ .

۳ مستحب ؛ عملی که انجامش مطلوب است و ثواب دارد ولی ترک آن عذاب ندارد

مانند نماز شب .

۴ مکروه ؛ عملی که ترک آن مطلوب است و ثواب دارد و انجامش عذاب ندارد

مانند پوشیدن لباس سیاه در نماز.

۵ مباح؛ عملی که انجام و ترک آن مساوی است؛ نه عذابی دارد و نه ثوابی

مانند بسیاری از اعمال.

اقسام واجب

کارهایی که بر افراد مکلف واجب می باشد

دارای اقسام مختلفی است که شناخت آنها در چگونگی انجام وظیفه تاءثیر دارد.

- واجب عینی

آن است که از همه مکلفین خواسته شده و با انجام یک یا چند نفر

از دیگران ساقط نمی شود؛ مانند نماز و روزه.

- واجب کفایی

آن است که اگر عده ای - به قدر کفایت - آن را انجام دهند

از دیگران ساقط می شود؛ مانند کفن و دفن و نماز بر میت

امر به معروف و نهی از منکر و جهاد.

- واجب تعیینی

آن است که یک عمل مشخص از مکلفین خواسته شده است و بدل و جایگزین ندارد؛ مانند نماز مغرب و عشاء.

- واجب تخییری آن است که دو یا چند عمل از مکلف خواسته شده و او مخیر است هر کدام را بخواهد انجام دهد؛ مثل وجوب نماز جمعه و ظهر در روز جمعه.

غیر از اینها

اقسام دیگری برای واجب بر شمرده اند که بیشتر در علم اصول فقه به آنها پرداخته می شود.

آموزش فقه - محمد حسین فلاح زاده - ص ۳۱ تا ۱۶۹

اجتهاد

اجتهاد در لغت به معنای کوشش و تلاش کردن است. و در اصطلاح فقه عبارت است از استنباط و استخراج مسائل شرعی از منابع مربوط به آن.

به شخصی که توانایی اجتهاد را داشته باشد <<مجتهد>> می گویند.

تقلید

تقلید در اصطلاح فقه

عبارت است از عمل مستند به فتوای فقیه .

۱ بر هر مکلفی که به درجه اجتهاد نرسیده و طریقه احتیاط را نمی داند

واجب است در احکام از مجتهد تقلید کند.؟(۱)

۲ تقلید در احکام

اختصاص به واجبات و محرمات ندارد

بلکه در مستحبات و مکروهات و مباحات هم جاری است.؟(۲)

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۵

۲- همان .

منابع فقه

۱- قرآن

۲- سنّت

قول معصوم (ع)

فعل معصوم (ع)

تقریر معصوم (ع)

۳- عقل

۴- اجماع (اتفاق فقها بر حکمی از احکام شرعی)

قرآن

که مجموعه وحی الهی بر پیامبر اکرم اسلام (ص) می باشد و به خواست خداوند بدون هیچگونه نقص و اضافه به دست ما رسیده اولین و بهترین ملاک عمل و منبع استنباط احکام می باشد.

قول معصوم

مجموعهء گفتار امامان معصوم (ع) و دستورها و آموزشهای قولی آنان

که روش درست کرداری را به ما می آموزد

یکی از منابع معتبر فقهی است که در کتب روایی جمع آوری شده است .

فعل معصوم

از آنجا که ائمهء معصوم (ع) از هر خطا و اشتباهی در امان هستند

کردار آنان نیز مانند گفتارشان می تواند ملاک عمل برای ما باشد

که این دسته نیز در کتب تاریخی و روایی با عنوان <<سیرهء عملی معصومین >> آمده است .

تقریر معصوم

چون نهی از منکر و بازداشتن افراد جامعه از کار خلاف و اشتباه (در غیر موارد تقیه) از وظایف پیشوایان معصوم (ع) است

از این رو

در مواردی که فرد یا افرادی در حضور معصوم (ع) عملی را انجام داده باشند

در حالی که تقیه ای در کار نبوده

و معصوم (ع) آن عمل را تاءیید کرده یا لاقلاً از آن نهی نکرده باشد

به عنوان عملی مورد امضا و تقریر ایشان

می تواند ملاک دیگری برای عمل و منبعی برای استنباط فقه باشد.

عقل و اجماع

اگر برای حکمی از احکام

دلیلی از قرآن و سنت نیابیم

آنچه که عقل بشری بدان حکم کند و یا فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر داشته باشند

که حاکی از رضایت معصوم (ع) باشد

می توان مطابق آن فتوا داد و وظیفه مکلفین را مشخص کرد.

مرجع تقلید و شرایط آن
به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند <<مرجع تقلید>> گویند.

مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

اجتهاد

عقل

بلوغ

عدالت

مرد بودن

زنده بودن

حلال زادگی

شیعه دوازده امامی بودن

و بنا بر احتیاط واجب اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد. (۱)

عادل به کسی گویند که دارای قوه عدالت باشد. و عدالت حالتی نفسانی است که انسان را به تقوا واداشته و

از ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره باز می دارد. (۲)

اعلم کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نظایر آن مسأله و اخبار اطلاع بیشتر داشته

باشد و همچنین اخبار را بهتر بفهمد. به طور خلاصه

اعلم کسی است که در استنباط احکام

از دیگران استادتر

باشد. (۳)

تقلید ابتدایی از مجتهد مرده جایز نیست ؛ یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده

نمی تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. بلکه باید مقلد مجتهد زنده باشد. (۴)

۱- توضیح المسائل

م ۲

۲- تحریر الوسیله

ج ۱ فی فروع التقلید

ص ۱۰ م ۲۸

۳- همان

ص ۷ م ۱۳

۴- همان

ص ۷ م ۱۳

بقاء بر تقلید از میت

۱- بقای بر تقلید میت اشکال ندارد

یعنی کسی که در زمان حیات مجتهدی به فتاوی‌اش یا بعضی از آنها عمل کرده باشد

می تواند بر تقلید او باقی بماند

حتی در مسائلی که در زمان حیات آن مجتهد به آنها عمل نکرده نیز می تواند از وی تقلید کند؛ مثلاً در زمان حیات او به حج نرفته و اکنون پس از مرگ او به حج می رود می تواند مناسک حج را مطابق فتوای او عمل کند. (۱)

۲- بقای بر تقلید میت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقای بر تقلید میت جایز باشد می تواند همچنان از او تقلید کند. (۲)

۳- کسی که بر تقلید میت باقی مانده است

در مسائلی که میت فتوا نداده و همچنین در مسائل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند. (۳)

۱- تحریر الوسیله جلد ۱ فی فروع التقلید

ص ۷ م ۱۳

۲- همان

ص ۷ م ۱۳

راههای تشخیص اجتهاد و اعلمیّت مرجع تقلید
الف: آزمودن و شناخت شخصی

در صورتی که خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلّم را تشخیص دهد.

ب: شهرتی که مفید علم باشد؛ یعنی بین اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلمیّت مشهور باشد که موجب علم به اجتهاد یا اعلمیّت آن فرد باشد.

ج: گواهی دو نفر عادل اهل خبره

به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفتهء آنان مخالفت نکنند.

افرادی که صلاحیت علمی تشخیص اجتهاد و اعلمیّت را دارا باشند(۱).

۱ بر مکلف واجب است که جهت شناختن مجتهد اعلّم جستجو و تفحص کند.(۲)

۲ چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند

شخص مقلّد

مخیر است به هر کدام از آنان

که بخواهد رجوع کند. همچنانکه می تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند(۳).

۳ اگر دو مجتهد هر یک در بخشی از احکام اعلّم باشند

مثلاً یکی در احکام عبادات اعلّم است و دیگری در

معاملات

مکلف باید بنابر احتیاط واجب در هر بخش از اعلّم تقلید کند.(۴)

۱- تحریرالوسیله

ج ۱ ص ۸ م ۱۹

۲- تحریرالوسیله

ج ۱ فی فروع التقلید

ص ۶ م ۵

۳- تحریر الوسيله

ج ۱ ص ۶ م ۸

۴- العروة الوثقى

ج ۱ فى التقليد

ص ۱۶ م ۴۷

تغيير دادن مرجع تقليد
عدول از غير اعلم به اعلم

بنا بر احتياط

واجب است .

عدول از مساوى به مساوى هستند

جائز نيست

در صورتى كه به فتواى آن مجتهد عمل كرده باشد.

عدول از اعلم به غير اعلم

جائز نيست .

عدول از مجتهدى كه مدتى از او تقليد مى كرده و اکنون معلوم شده است كه اهليت فتوى نداشته

واجب است .

عدول از مجتهدى كه يکى از شرايط مرجعيت را از دست داده ؛ مثلاً ديوانه شده يا فراموشى به او دست

داده

به مجتهد جامع الشرايط: واجب است .

عدول از مجتهدى كه تاکنون از او تقليد مى كرده و اکنون از دنيا رفته است به مجتهد زنده : جائز بلکه احتياط مستحب است .

عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده : بنا بر احتیاط واجب جایز نیست . هر چند قبلاً از او تقلید می کرده و پس از مرگ وی به مجتهد زنده رجوع کرده است(۱)

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۶-۷-۸ م ۴ ۵ ۱۲ ۱۳ و ۱۸ العروۃ الوثقی

ج ۱ ص ۱۲ و ۱۳ م ۳۳ و ۳۷

راههای بدست آوردن فتوای مجتهد
شنیدن از خود مجتهد.

شنیدن از دو یا یک نفر عادل .

شنیدن از یک نفر مورد اطمینان .

دیدن در رسالهء مجتهد که اشتباه نداشته باشد.(۱)

چند مسأله :

۱ فراگرفتن مسائل شک و سهو و غیر اینها از مسائلی که غالباً مورد احتیاج مکلف است

واجب می باشد

مگر در جایی که اطمینان دارد مسأله ای برایش پیش نمی آید.(۲)

۲ اگر دو نفر بر خلاف یکدیگر فتوای مجتهد را نقل کنند: گفته هیچکدام قبول نیست .ته ء

۳ اگر آنچه در رسالهء مجتهد نوشته شده با آنچه که دیگری نقل می کند سازگار نیست : در صورتی که رساله اشتباه نداشته باشد

آنچه در رساله است معتبر می باشد. مگر آنکه مسأله گو بگوید که مجتهد

از رأی خود که در رساله است عدول کرده .

۴ اگر مسأله ای در یکی از رساله های مجتهد به گونه ای است و در رساله ای دیگر

به گونه ای دیگر: رساله ای که تاریخ نوشتن آن (توسط مجتهد) متأخر است مقدم می باشد. (مانند موارد اختلاف تحریر الوسیله با رسالهء توضیح المسائل امام خمینی قدس سره که آنچه در تحریر الوسیله آمده مقدم است .

۵ اگر مسأله گو در بیان فتوای مجتهد اشتباه کند (مسأله ای را اشتباه بگوید) واجب است به آنها که از او یاد گرفته اند اطلاع داده و رفع اشتباه کند.(۳)

۶ اگر شخصی فتوای مجتهد را برای دیگری بگوید

سپس فتوای مجتهد در آن مسأله عوض شود

بر آن فرد واجب نیست به کسی که از او مسأله شنیده است

تغییر فتوی را اطلاع دهد

گرچه احتیاط مستحب است (۴).

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۸ م ۲۱

۲- همان

ص ۹ م ۲۳

۳- استفتات

ج ۱ ص ۱۸ س ۴۲ و العروة الوثقی

ج ۱ فی التقلید

ص ۲۰ م ۵۹

۴- العروة الوثقی

ج ۱ کتاب فی التقلید

ص ۱۶ م ۴۸

۵- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۲۰ م ۵۸

حکم عمل بدون تقلید

وظیفه کسی که بدون تقلید عمل کرده یا تقلیدش صحیح نبوده

۱ کسی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده

در صورتی که بفهمد:

- به وظیفه واقعی خود عمل کرده ؛ مثلاً بعداً مجتهد شود و وظیفه واقعی خود را بفهمد.

- یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده مطابق بوده است .

- یا با فتوای مجتهدی که هم اکنون باید از او تقلید کند مطابق است .

در تمام این صور اعمال گذشته اش صحیح است(۱) .

۲ اگر مکلف زمانی از کسی تقلید کرده که جامع شرایط نبوده ؛ مانند کسی است که بدون تقلید عمل کرده است(۲)

۳ اگر مکلف بفهمد مدتی از زمان را بدون تقلید عمل کرده و مقدار آن را نداند ولی کیفیت آن را می داند

با شرایطی که در مسأله ۱ گذشت

اعمال قبلی صحیح است و گرنه حداقل مقداری که یقین دارد باطل بوده باید قضا کند.(۳)

۴ اگر در صحت تقلید گذشته خود شک کند

بنا را بر صحت می گذارد(۴).

۵ اگر بدون اجازه مجتهد زنده بر تقلید میّت باقی مانده باشد مانند کسی است که بدون تقلید عمل می کند(۵)

۱- توضیح المسائل

م ۱۴

۲- العروة الوثقی

فی التقليد

ج ۱ ص ۱۰ م ۲۵

۳- همان

ص ۱۴ م ۴۰

۴- همان

ص ۱۴ م ۴۱

۵- همان

ص ۱۷ م ۵۲

عبارت است از عمل کردن به احکام به گونه ای که یقین داشته باشد به وظیفه اش عمل کرده است .

۱- عمل به احتیاط برای هر فردی (مجتهد یا غیرمجتهد) جایز است

ولی باید موارد احتیاط را بشناسد و کمتر افرادی این موارد را می شناسند

چون شناخت آنها کار دشواری است و مستلزم اطلاع کامل بر کیفیت آن است. (۱)

۲- عمل به احتیاط

گاهی موجب تکرار عمل است و گاهی موجب تکرار نیست (۲) .

مثال اوّل : شخصی که نمی داند وظیفه اش نماز تمام است یا شکسته

اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید نماز را هم تمام بجا آورد و هم شکسته .

مثال دوّم : شخصی که نمی داند اذان و اقامه برای نماز واجب است یا مستحب

اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید آن را بجا آورد.

۳ اگر مکلف بداند عملی حرام نمی باشد

ولی نمی داند واجب است یا مستحب یا مکروه یا مباح

می تواند به امید مطلوب بودن (رجاءاً) آن عمل را انجام دهد

چون احتمال مطلوب بودن آن وجود دارد. (۳)

۴ اگر مکلف بداند عملی واجب نیست ولی نمی داند حرام است یا مکروه یا مستحب یا مباح

می تواند آن عمل را ترک کند. چون احتمال مبعوض بودن آن وجود دارد (۴).

۱ - تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۵- العروه الوثقی

ج ۱ ص ۳ م ۲

۲ - الفتاوی الواضحه

ج ۱ ص ۱۱۸ تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۵ م ۱

۳ - العروۃ الوثقی

ج ۱ ص ۱۱ م ۳۰

۴ - همان .

فرق بین احتیاط واجب و احتیاط مستحب

کلیه احتیاطهایی که در رساله ها آمده است

یا وجوبی است یا استحبابی و تفاوت بین آنها از دو جهت است :

یکی در مقام شناخت و تشخیص

که احتیاط از کدام قسم است و دیگری در مقام عمل

که وظیفه مکلف

نسبت به هر یک از آنها چیست ؟

تفاوت اول : احتیاط واجب

احتیاط بدون فتواست .

احتیاط مستحب

احتیاط همراه با فتواست .

اگر مجتهد در مسأله ای فتوا داده و احتیاط نیز داشته باشد

این احتیاط مستحب است . و اگر مجتهد در مسأله ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد

احتیاط واجب است که به آن <<احتیاط مطلق>> هم می گویند.(۱)

مثال احتیاط مستحب : <<در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب قرار گیرد غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود(۲).>>

مثال احتیاط واجب : اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد

نمی تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد

بنابر احتیاط باید به ورثه او بدهد. (۳)

تفاوت دوم : در احتیاط مستحب

مقلد باید به همان احتیاط عمل کند یا به فتوای همراه آن و نمی تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.

و در احتیاط واجب

مقلد می تواند به همان احتیاط عمل کند

یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد از دیگران اعلم است مراجعه کند (۴).

۱ - العروة الوثقی

ج ۱ ص ۲۳ م ۶۴

۲ - توضیح المسائل

م ۳۶۷

۳ - توضیح المسائل

م ۲۶۵۹

۴ - توضیح المسائل

م ۷

حکم و فتوا و فرق آن دو

ائمہ معصوم (ع) پس از پیامبر (ص) و به هنگام حضور ظاهری

دو وظیفه مهم امامت را بر عهده داشته اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی در زمان غیبت آنها بر عهده فقهای جامع شرایط نهاده شده است :

۱ بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم .

۲ رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی .

اختلاف در بیان فتوا و وجود مراجع فتوایی متعدد

مشکل زیادی در جامعه پدید نمی آورد

همچنانکه در ادوار مختلف تاریخ تشیع

پس از غیبت حضرت ولی عصر (ع) این امر وجود داشته است

ولی تشیت و دوگانگی در احکام اجرایی و دستورات حکومتی به خصوص اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد

قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دو دستگی در جامعه خواهد شد

حال پرسش این است که فرق این دو چیست و قلمرو هر یک کدام است و در مورد تعارض فتوای مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه (وظیفهء مردم چیست ؟

<<فتوا>> در اصطلاح فقها بیان حکم خداست به وسیلهء فقیه . و فقیه کسی است که نسبت به حکمی که از منابع فقهی استنباط کرده

اظهار نظر می کند. مثل این بیان که :

- در رکعت سوم و چهارم نماز

تسبیحات را یک مرتبه خواندن کافی است .

- اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد صحیح نیست .

- در صورتی که خریدار در معامله گول خورده باشد حق فسخ معامله را دارد و...

<<حکم حاکم>> دستور به اجرای یک حکم شرعی و تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام یا ترک کاری به خاطر مصلحت است ؛ مانند:

- دستور به این که : فلان روز اول ماه است .

- حکم به دریافت زکات یا خمس

با شرایطی ویژه (در زمان یا مکان و یا مورد خاص).

- فروش اموال محتکر و قیمت گذاری آن

بدون اجازه از صاحبش .

- تعیین و تقسیم و مصرف انفال و اموال عمومی .

- اقامهء حدود و تعزیرات .

اختلاف فتوا با حکم

تقدیم حکم حاکم بر فتوای مرجع تقلید

در صورتی که فتوای مرجع تقلید و حکم فقیه حاکم خلاف یکدیگر باشد

به یقین حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است؛ مثل آن که مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر طعام اشکال ندارد

ولی فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه

حکم کند که احتکار هر گونه کالای مورد نیاز جامعه حرام است. در اینجا دستور ولی فقیه اجرا می شود و بر مقلدان آن مرجع نیز تبعیت لازم است ..

مرحوم شیخ محمدحسن نجفی (قدس سره) صاحب جواهر در بحث احتکار چنین می نویسد:

>> اگر محتکر

خود مجتهد باشد

مجتهد حاکم می تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وادار کند

هر چند حاکم نسبت به مجتهد محتکر از نظر علمی پایین تر باشد <<. (جواهر الکلام

ج ۲۲ ص ۴۸۷.

در فتاوی فقههای بزرگ آمده است :

نقض حکم حاکم جامع شرایط جایز نیست

حتی برای سایر مجتهدان

مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد. (۱)

۱ - العروة الوثقی

ج ۱ ص ۵۷

کارهای وضو

نماز گزار باید قبل از نماز <<وضو>> بگیرد و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

کارهای وضو(۱)

۱- شستن :

الف - صورت : از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه (طول) و از پهنا فاصله بین شست و انگشت میانه که بر صورت قرار گیرد (عرض).

ب - دست راست : از آرنج تا نوک انگشتان .

ج - دست چپ : از آرنج تا نوک انگشتان .

۲- مسح :

الف - سر: قسمت جلوی آن که بالای پیشانی است .

ب - پای راست : روی پا از نوک انگشت تا برآمدگی .

ج - پای چپ : روی پا از نوک انگشت تا برآمدگی .

۱- تحریر الوسیله - ج ۱ فصل فی الوضو

ص ۲۱ و ۲۳ م ۱ و ۳ و ۱۲

احکام وضو

شستن صورت و دستها

۱- بنا بر احتیاط واجب

باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است. (۱)

۲- اگر صورت یا دست کسی کوچکتر از صورت و دست معمولی باشد

یا بر پیشانی او مو روییده

یا جلوی سر او مو ندارد

باید همان مقداری که مردمان معمولی می شویند

بشوید. (۲)

۳- اگر صورت و دست کسی

هر دو برخلاف معمول باشد ولی متناسب با هم است

لازم نیست ملاحظه معمول را بنماید بلکه باید همانگونه که در اعمال وضو بیان شد

وضو بگیرد.(۳)

۴- اگر پوست صورت از لای موها (ریش - ابرو) پیدا باشد

باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد

شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر مو لازم نیست.(۴)

۵- اگر شک کند

که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه؟ بنا بر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.(۵)

۶- شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی شود

واجب نیست. ولی برای آن که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده

واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.(۶)

۷- پوست یا گوشتی که از اعضای وضو بریده شده - اگر کاملاً قطع شده باشد

باید زیر آن (جای آن) شسته شود - و در صورتی که به عضو متصل است باید آنهم شسته شود و هر مقدار از جای آن که ظاهر شده

بشوید.(۷)

۸- تاو لهایی که مثلاً بر اثر سوختگی بر پوست ظاهر شده

تا زمانی که باقی است

شستن ظاهر (روی) آن کافی است

هر چند پوسته آن سوراخ شده باشد و چنانچه قسمتی از آن کنده شده

شستن همان مقداری از پوست که ظاهر شده کافی است و کندن مابقی

یا رساندن آب به زیر آن لازم نیست

ولی اگر به گونه ای است که پوست گاهی بر بدن می چسبد و گاه جدا می شود باید زیر آن هم شسته شود.(۸)

۹- پوسته ای که در حال بهبودی زخم روی آن بسته شده و مانند پوست بدن می باشد

کندن آن لازم نیست و شستن ظاهر آن کافی است. هر چند کندن آن راحت باشد

اما دوائی که بر زخم خشکیده است اگر برداشتن آن راحت است باید بردارد و اگر برداشتن آن ممکن نیست حکم جیره را دارد که به تفصیل در احکام وضوی جیره ای خواهد آمد. (۹)

۱۰- شستن اعضای وضو:

بار اول : واجب

بار دوم : جایز

بار سوم : بدعت و حرام (۱۰)

۱۱- مقصود از شستن

آب ریختن نیست

بلکه شستن کامل است ؛ یعنی اگر یکبار بطور کامل به نیت وضو تمام صورت یا دست را بشوید و بار دیگر هم بطور کامل بشوید

بار سوم آن حرام می باشد. بنابراین اگر چندین مرتبه هم آب بریزد ولی به تمام جاهای عضو نرسد

یکبار محسوب نمی شود. و اگر با یکبار ریختن

یا یکبار فرو بردن در آب

تمام عضو را فراگیرد. یک بار شستن به حساب می آید. (۱۱)

۱۲- سه بار شستن اعضای وضو (به نیت وضو) علاوه بر آنکه بدعت و حرام است

گاهی اوقات موجب بطلان وضو هم می شود و آن در صورتی است که آب مسح

از آب شستن سوم باشد

چون مسح باید با آب وضو انجام شود. (۱۲)

مسح سر

۱- جای مسح : یک قسمت از چهار قسمت سر که بالای پیشانی است (جلوی سر).

۲- مقدار واجب مسح : هر قدر باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).

۳- احتیاط مستحب : به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت .

۴- مسح با دست چپ : جایز است .

۵- لازم نیست مسح بر پوست سر باشد

بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است

مگر موی سر انسان به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن

به صورتش بریزد

که باید پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مو را مسح نماید.

۶- مسح بر موی جاهای دیگر سر صحیح نیست

هر چند بر محل مسح جمع شده باشد.

۷- مسح سر لازم نیست از بالا به پایین باشد.(۱۳)

مسح پا

۱- جای مسح : روی پا است .

۲- مقدار واجب مسح : طول ؛ از سرانگشت تا برآمدگی روی پا.

عرض ؛ هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدر یک انگشت باشد.

۳- احتیاط مستحب آن : همه روی پا.

۴- پای راست را باید قبل از پای چپ مسح کند

ولی لازم نیست پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.(۱۴)

مسائل مشترک مسح سر و پا

۱- در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است

ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.(۱۵)

۲- اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد

نمی تواند دست را با آب خارج

تر کند بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.(۱۶)

۳- رطوبت دست باید بقدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.(۱۷)

۴- اگر رطوبت کف دست به اندازه مسح سر باشد

می تواند سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.(۱۸)

۵- محل مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد

بنابراین اگر جای مسح تر باشد

باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تاءثیر رطوبت دست

بر آن نباشد مانع ندارد.(۱۹)

۶- بین دست و سر یا پاها باید چیزی مانند چادر و کلاه

یا جوراب و کفش فاصله نباشد. هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).(۲۰)

۷- محل مسح باید پاک باشد

پس اگر نجس است و نمی تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند.(۲۱)

۱- توضیح المسائل - م ۲۴۳

۲- همان

م ۲۳۸

۳- همان .

۴- همان

م ۲۴۰

۵- توضیح المسائل

م ۲۴۱

۶- توضیح المسائل

م ۲۴۲

۷- العرو الوثقی

ج ۱ فصل فی افعال الوضوء

ص ٢٠٥ م ١٤

٨- العرو الوثقى

ج ١ ص ٢٠٦ م ١٦

٩- همان

م ١٧

١٠- توضيح المسائل

م ٢٤٨

١١- استفتاءات

ج ١ ص ٣٤ ص ٣٥

١٢- توضيح المسائل

م ٢٤٨ و استفتاءات

ج ١ ص ٣٤ و ٣٥

١٣- توضيح المسائل

م ٢٤٩ و ٢٥٠ و ٢٥١ و تحرير الوسيله

ج ١ فصل فى الوضوء

ص ٢٣ م ١٢ و ١٣ و ١٤

١٤- العرو الوثقى

ج ١ فصل فى افعال الوضوء

ص ٢١٠

١٥- توضيح المسائل

م ٢٥٥

١٦- توضيح المسائل

م ۲۵۷

۱۷- العرؤ الوثقی

ج ۱ فصل فی افعال الوضو

ص ۲۱۲ م ۲۶

۱۸- توضیح المسائل

م ۲۵۸

۱۹- العرؤ الوثقی

ج ۱ ص ۲۱۲ م ۲۶

۲۰- همان

م ۲۷

۲۱- توضیح المسائل - م ۲۶۰

وضوی ارتماسی

۱- وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد

یا آنها را در آب فرو برده و به قصد وضو بیرون آورد. (۱)

۲- چون در وضوی ارتماسی نیز

باید ترتیب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود

بنابراین

وضوی ارتماسی به گونه های زیر انجام می شود:

به قصد وضو صورت را از پیشانی

یا دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام می شود به نیت وضو باشد. چون آبی که بر دست می ماند و در مسح بکار می رود

باید آب وضو باشد.

بدون قصد وضو

صورت یا دست را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد

که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد و دستها را از آرنج (۲).

۳- اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد. (۳)

۱- توضیح المسائل

م ۲۶۱

۲- توضیح المسائل

م ۲۶۱ و ۲۶۲

۳- همان

م ۲۶۳

چگونگی وضوی افرادی که دست یا پایشان قطع شده (۱)

۱- قطع دست :

الف - یک دست :

۱- پایین تر از آرنج قطع شده : - قسمت باقیمانده را باید بشوید

۲- از آرنج یا بالاتر قطع شده : - شستن آن دست ساقط است و مسح سر و پاها را با دست سالم انجام دهد.

ب - هر دو دست :

۱- هر دو پایین تر از آرنج قطع شده :

قسمتهای باقیمانده باید شسته شود

مسح سر و پاها را اگر می تواند با باقیمانده دست انجام می دهد و گرنه نایب می گیرد.

۲- هر دو از آرنج یا بالاتر قطع شده :

شستن دستها ساقط است صورت را شسته (ارتماسی یا غیر ارتماسی) و برای مسح نایب می گیرد.

۳- یکی بالاتر و دیگری پایین تر از آرنج قطع شده :

قسمت باقیمانده را باید بشوید و مسح را با همان باقیمانده انجام دهد یا نایب بگیرد.

۲- قطع پا:

الف - یک پا:

۱- پایین تر از برآمدگی روی پا قطع شده : مقدار باقیمانده باید مسح شود.

۲- بالاتر از برآمدگی قطع شده : مسح پای قطع شده ساقط است .

ب - هر دو پا:

۱- هر دو پایین تر از برآمدگی قطع شده : قسمت‌های باقیمانده باید مسح شود.

۲- هر دو بالاتر از برآمدگی قطع شده : مسح پاها ساقط است و وضوی چنین فردی عبارت است از شستن صورت و دستها و مسح سر.

۳- یکی بالاتر و دیگری پایین تر از برآمدگی قطع شده : قسمت باقیمانده باید مسح شود و مسح پای دیگر ساقط است .

۳ قطع دست و پا:

۱- چیزی از اعضای وضو در دست و پا باقی نمانده (دستها بالاتر از آرنج و پاها بالاتر از برآمدگی قطع شده): جشستن دستها و مسح پاها ساقط است

و چنین فردی باید صورت را شسته و برای مسح سر نایب بگیرد.

۲- چیزی از اعضای وضو در دست یا پا و یا هر دو باقی است : قسمت‌های باقیمانده در دست باید شسته و قسمت‌های باقیمانده در پا مسح شود و در مواردی که خود نمی تواند اعمال وضو را انجام دهد باید نایب بگیرد.

۱- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۲۰۴ الثانی ; استفتاات

ج ۱ ص ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ س ۲۰ تا ۲۴ و ۲۶

شرایط وضو

شرایطی که خواهد آمد وضو صحیح است و با از بین رفتن هر یک از آنها وضو باطل است .

شرایط وضو(۱):

۱- شرایط آب و ظرف وضو:

الف - آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).

ب - آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).

ج - آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).

د - ظرف آب وضو مباح باشد.

ز - ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

۲- شرایط اعضای وضو:

الف - پاک باشد.

ب - مانعی از رسیدن آب در آن نباشد

۳- شرایط کیفیت وضو:

الف - رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت).

ب - رعایت موالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد).

ج - شخصاً انجام دهد (از دیگری کمک نگیرد).

۴- شرایط وضو گیرنده :

الف - استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.ب - با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).

۱- توضیح المسائل

شرایط صحیح بودن وضو.

برخی از دعاهای وضو

مستحب است هنگام شستن صورت بگوید:

اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوَجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوَجُوهُ << و در وقت شستن دست راست بخواند: >>اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَّةِ بِيَسَارِي وَ حَاسِبِنِي حِسَاباً يَسِيراً<< و موقع شستن دست چپ بگوید: >>اللَّهُمَّ لَا تَعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءَ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً أَلَىٰ عُنُقِي وَ اءَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيِّرَانِ << و موقعی که سر را مسح می کند بگوید: >>اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ << و در وقت مسح پا بخواند: >>اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَنْزَلُ فِيهِ الْاَعْقَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يَرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاَكْرَامِ . (۱)

۱- توضیح المسائل

م ۲۶۴

احکام شرایط وضو

شرایط آب وضو

۱- وضو با آب نجس و مضاف باطل است

خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند

یا فراموش کرده باشد. (۱)

۲- آب وضو باید مباح باشد

بنابراین در موارد زیر وضو باطل است :

— وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است).

— آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه .

— آبی که وقف افراد خاصی است ؛ مانند حوض برخی از مدارس و وضوخانهء بعضی از هتلها و مسافرخانه ها و... (۲)

۳- وضو گرفتن از نه‌رهای بزرگ

گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه

اشکال ندارد

اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند

احتیاط واجب آن است که وضو نگیرد. (۳)

شرایط اعضای وضو

۱- اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد. (۴)

۲- اگر در بین وضو

جایی را که شسته یا مسح کرده

نجس شود وضو صحیح است ؛ مثلاً مشغول شستن دستها است

صورت وی نجس شود. (۵)

۳- اگر غیر اعضای وضو

جایی از بدن نجس باشد

وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غایط را تطهیر نکرده

بهتر آن است که اوّل آن را تطهیر کند

بعد وضو بگیرد. (۶)

۴- اگر زیر ناخن چرک باشد

وضو اشکال ندارد

ولی اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد

باید چرک زیر آن مقدار را برطرف کند. (۷)

۵- چرک بدن اگر مانع رسیدن آب به اعضای وضو نباشد وضو اشکال ندارد. (۸)

۶- اگر پس از گچ کاری و مانند آن

چیز سفیدی که از رسیدن آب به پوست جلوگیری نمی کند بر دست بماند یا ظاهر شود

اشکالی ندارد ولی اگر مانع رسیدن آب می باشد

یا شک دارد که با بودن آنها

آب به پوست می رسد یا نه باید آنها را برطرف کند. (۹)

۷- اگر چیزی بر اعضای وضو باشد (اعضای شستن) که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند

برای وضو باید برطرف شود ولی بر اعضای مسح

هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند

برای وضو باید برطرف شود. (۱۰)

۸- خطوط قلم خودکار و لکه های رنگ و چربی و کرم در صورتی که رنگ بدون چرم باشد

مانع وضو نیست

ولی اگر چرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید برطرف شود. (۱۱)

۹- خال کوبیهایی که زیر پوست قرار دارد (جوهر است) و مانع از رسیدن آب به پوست نمی باشد

برای وضو اشکال ندارد. (۱۲)

شرایط کیفیت وضو

۱ ترتیب (۱۳)

کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود:

شستن صورت

شستن دست راست

شستن دست چپ

مسح سر

مسح پای راست

مسح پای چپ

اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد وضو باطل است

حتی اگر پای چپ و راست را همزمان مسح کند.

۲ مَوالات

۱- مَوالات؛ یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

۲- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده

خشک شده باشد

وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد

وضویش صحیح است (۱۴).

۳- راه رفتن بین وضو اشکال ندارد

پس اگر بعد از شستن صورت و دستها

چند قدم راه برود جبه قدری که مَوالات به هم نخوردج و بعد سر و پا را مسح کند

وضوی او صحیح است (۱۵).

۳ از دیگران کمک نگیرد

۱- کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد

نباید از دیگری کمک بگیرد

پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است

ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضو گیرنده خودش آن را بر اعضا می ریزد و می شوید وضو باطل نیست ولی اینگونه کمک گرفتن مکروه است. (۱۶)

۲- کسی که نمی تواند وضو بگیرد

باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزد هم بخواهد

در صورتی که بتواند باید بدهد

ولی خود او باید نیت وضو کند. (۱۷)

۳- کسی که در وضو از دیگری کمک می گیرد

هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد

نباید در آن عمل کمک بگیرد. (۱۸)

۴- کسی که دیگری را وضو می دهد

در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد

مگر آن که ممکن نباشد

که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود

مسح او را انجام می دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. (۱۹)

شرایط وضو گیرنده

۱- کسی که می داند اگر وضو بگیرد مریض می شود یا می ترسد که مریض شود

باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته

وضویش صحیح است. (۲۰)

۲- وضو باید به قصد قربت انجام شود یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد. (۲۱)

۳- لازم نیست نیت را به زبان آورد

یا از قلب خود بگذرانند

بلکه همین مقدار که می داند وضو می گیرد کافی است

به طوری که اگر از او پرسند چه می کنی؟ بگوید: وضو می گیرم. (۲۲)

۴- در وضو

قصد قربت کافی است و لازم نیست نیت وجوب یا استحباب کند؛ یعنی لازم نیست نیت کند وضوی واجب است یا مستحب. (۲۳)

دو مسأله :

۱- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد

تمام نماز یا قسمتی از آن

بعد از وقت خوانده می شود

باید تیمم کند. (۲۴)

۲- کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند

اگر وضو بگیرد

صحیح است چه برای آن نماز وضو بگیرد یا برای کار دیگر. (۲۵)

۱- توضیح المسائل

م ۲۶۵

۲- العرو الوثقی

ج ۱ فصل فی شرایط الوضو

ص ۲۱۹- ۲۲۵ م ۶، ۷، ۸ و توضیح المسائل

م ۲۶۵

۳- توضیح المسائل

مسأله ۲۷۱

۴- توضیح المسائل

شرایط وضو

ص ۳۵ شرط ششم و مسأله ۲۷۶ و ۲۷۷

۵- همان .

۶- همان .

۷- توضیح المسائل

م ۲۹۱

۸- توضیح المسائل

م ۲۹۴

۹- توضیح المسائل

م ۲۹۴

۱۰- توضیح المسائل

شرایط وضو

شرط سیزدهم و مسأله ۲۵۹

۱۱- استفتائات

ج ۱ ص ۳۶ و ۳۷ س ۴۰ تا ۴۵

۱۲- همان .

۱۳- تحریر الوسیله

ج ۱ فصل به شرایط الوضو

ص ۲۸

۱۴- همان

ج ١ ص ٢٨ م ١٥ و توضيح المسائل - م ٢٨٣

١٥- توضيح المسائل

م ٢٨٥

١٦- العرو الوثقى

ج ١ فى شرايط الوضو

التاسع

ص ٢٣٤

١٧- توضيح المسائل - م ٢٨٦

١٨- توضيح المسائل

م ٢٨٧

١٩- همان

م ٢٨٦

٢٠- العرو الوثقى

م ج ١ فى شرايط الوضوء

السابع

ص ٢٣٢- توضيح المسائل

م ٢٨٨ و ٦٧٢

٢١- توضيح المسائل - شرايط وضو شرط هشتم .

٢٢- توضيح المسائل

م ٢٨٢

٢٣- تحرير الوسيله

ج ١ ص ٢٩ م ٢٠

وضوی جبیره ای

دوایی که بر زخم می زنند و چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می بندند

<<جَبیره>> نام دارد.

۱- شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است

اگر بتواند به طور معمول وضو بگیرد

باید چنین کند (۱) مثلاً:

- روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.

- روی زخم بسته است ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

۲- چنانچه زخم بر صورت یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد

اگر اطراف آن را بشوید کافی است. (۲)

۳- اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است (محل مسح) و روی آن باز است

چنانچه نتواند آن را مسح کند

باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده

مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد

باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح هم بگیرد. (۳)

چند مسأله :

۱- کسی که نمی داند وظیفه اش وضوی جبیره ای است یا تیمم بنابر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد. (۴)

۲- کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو

دست تر روی آن کشیده است

می تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند

یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد. (۵)

۳- اگر در صورت و دستها چند جبیره باشد

باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل کند. (۶)

۴- مقدار جبیره و وظیفه وضو گیرنده :

۱- اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد

باید تیمم کند.

۲- اگر جبیره

بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد

مثل تمام صورت یا تمام یک دست

باید وضوی جبیره ای بگیرد.

۳- اگر جبیره

بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد

بنابر احتیاط واجب باید وضوی جبیره بگیرد و تیمم هم انجام دهد.

۴- اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد

باید وضوی جبیره بگیرد و بنابر احتیاط واجب

تیمم هم بنماید. (۷)

۱- توضیح المسائل

م ۳۲۴

۲- همان

م ۳۲۵

۳- همان

م ۳۲۶

۴- توضیح المسائل - م ۳۴۳

۵- توضیح المسائل - م ۳۳۲

۶- توضیح المسائل - م ۳۳۴

۷- توضیح المسائل

م ۳۳۰ ۳۳۱ و ۳۳۵

حکم شک در وضو و اعمال آن :

چند مسأله :

۱- پس از انجام وضو شک کند

چیزی که مانع رسیدن آب می باشد بر اعضای وضو بوده یا نه — به شک اعتنا نمی شود و وضو صحیح است. (۱)

۲- اگر می داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه — باید آن را برطرف کند یا آب را زیر آن برساند. (۲)

۳- اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست

بعد از وضو شک کند آب را به آنجا رسانده یا نه .

می داند موقع وضو ملتفت آن مانع بوده — وضو صحیح است .

نمی داند موقع وضو ملتفت آن مانع بوده یا نه — وضو صحیح است .

می داند موقع وضو ملتفت آن نبوده — باید دوباره وضو بگیرد. (۳)

۴- اگر بر اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می رسد و گاهی نمی رسد و بعد از وضو شک کند آب زیر آن رسیده یا نه — حکم مسأله قبل را دارد. (۴)

۵- اگر بعد از وضو چیزی که مانع رسیدن آب می باشد در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده

وضوی او صحیح است

ولی اگر بداند که در وقت وضو گرفتن ملتفت آن مانع نبوده — احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد. (۵)

۶- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن

مثل پاک بودن آب و وجود داشتن مانعی بر اعضا

خیلی شک می کند — باید به شک خود اعتنا نکند. (۶)

۱- توضیح المسائل

م ۲۹۸

۲- همان

م ۲۹۰

۳- همان

م ۲۹۵

۴- همان

م ۲۹۶

۵- همان

م ۲۹۷

۶- همان

م ۲۹۹

برای چه کارهایی باید وضو گرفت

وضو(۱):

۱- شرط صحّت عمل

یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود صحیح نیست :

-- نماز (بجز نماز میّت)

-- اجزاء فراموش شدهء نماز (سجده و تشهد)

-- طواف

۲- شرط جواز عمل

و حرام نبودن

یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است :

-- مسّ نوشته قرآن

-- مس اسم خداوند و صفات خاص او

-- به احتیاط واجب مس اسم انبیاء (ص) و ائمه (ع) و ملائکه

۳- شرط کمال عمل ; یعنی برای درک ثواب یا ثواب بیشتر مانند قرائت قرآن .

۴- رفع کراهت عمل

مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو کراهت آن رفع می شود.

چند مسأله :

۱- کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته ها برساند:

-- خط قرآن ولی ترجمه آن اشکال ندارد.

-- اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد

مانند: <<الله>>

<<خدا>>

<<حراً>>.

-- نام پیامبر اکرم (ص) امامان (ع) و حضرت زهرا (علیهاالسلام) (بنابر احتیاط واجب). (۲)

۲- در حرام بودن مسّ قرآن بدون طهارت بین این موارد فرقی نیست :

با دست باشد یا سایر اجزای بدن (بجز مو).

ابتدای به مس باشد یا ادامه آن

بنابراین اگر دست او بر خط قرآن بودو متوجه شد ولی دست را برداشت مرتکب حرام شده است .

خط آن معمول و متعارف باشد و یا متعارف نباشد؛ مثل خط کوفی .

نوشته

با قلم باشد یا چاپ یا گچ یا غیر آن .

نوشته برجسته باشد یا گود؛ مانند سنگ قبر.

حرفی است که خوانده می شود یا خوانده نمی شود مانند الف در <<قالوا>>.

نوشته قرآنی در قرآن باشد یا در غیر قرآن

مثلاً آیه ای یا کلمه ای از قرآن در کتابی نوشته شده باشد. و یا حتی مثلاً نصف کلمه را بریده باشند.

آنچه قرآن بر آن نوشته شده

فرقی نیست بین این که

کاغذ باشد یا چوب یا سنگ یا لباس یا دیوار و مانند آن .

بطور عادی نوشته شده یا برعکس

مثل یا ایها اللذین .

حروف عربی باشد یا غیر آن ؛ مثلاً "ALLAH" یا "MOHAMMAD".

کلمات قرآنی نیکو باشد؛ مانند موءمن

صبر

یا کلمات ناپسند؛ مانند ابلیس

شیطان و کافر. (۳)

۳ مس در موارد زیر حرام نیست :

-- مس خطوط قرآن با مو <<گرچه احتیاط مستحب ترک آن است >>.

-- مس از پشت شیشه یا پلاستیک

که در واقع مس خطوط نمی باشد.

-- مس ما بین حروف و فضای خالی درون حروف ; مانند فضای << ح >> << ن >> و... و...

-- مس ورق قرآن و حواشی و ما بین سطور و جلد آن (گرچه مکروه است).

-- ترجمه قرآن به هر لغتی باشد. مگر اسم خداوند(۴)

۴- کلماتی که مشترک بین لغات قرآن و غیر آن است

اگر قصد نویسنده

کلمه قرآنی بوده است

مس آن جایز نیست و اگر قصد او قرآن نبوده جایز است. (۵)

۵- مس آرم جمهوری اسلامی ایران بدون طهارت بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. (۶)

برای این کارها وضو گرفتن مستحب است :

-- برای نماز میّت .

-- رفتن به مسجد و حرم امامان .

-- خواندن قرآن .

-- همراه داشتن قرآن .

-- خوابیدن .

-- رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن .

-- زیارت اهل قبور. (۷)

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ فصل فی غایات الوضو

ص ۳۱

۲- توضیح المسائل

م ۳۱۷ و ۳۱۹

۳- العرو الوثقی

ج ۱ فصل فی غایبات الوضو

ص ۱۸۹ تا ۱۹۱ م ۱۳ تا ۱۲ و استفتاآت

ج ۱ ص ۴۷ ۴۸

۴- همان

ج ۱ ص ۱۸۹ تا ۱۹۲ م ۱۱ تا ۱۷

۵- همان

ج ۱ ص ۱۹۰ م ۹

۶- استفتاآت

ج ۱ ص ۴۷ س ۸۰

۷- توضیح المسائل - م ۳۲۲

مواردی که وضو باطل می شود

چگونه وضو باطل می شود؟

۱- خارج شدن ادرار یا مدفوع از انسان .

۲- خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط.

۳- خواب

چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.

۴- چیزهایی که عقل را از بین می برد؛ مانند دیوانگی

مستی

بیهوشی .

۵- استحاضه زنان .

۶- آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مسّ میّت (۱).

۱- توضیح المسائل - م ۳۲۳

مستحبات و مکروهات وضو

مستحبات وضو

۱- مصرف آب بیش از یک مدّ نباشد (یک مد حدود ۷۵۰ گرم است).

۲- مسواک کردن

هر چند با انگشت .

۳- اگر از ظرف وضو می گیرد

آن را سمت راست خود قرار دهد.

۴- شستن دستها قبل از شروع وضو.

۵- مضمضه (آب در دهان گرداندن).

استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن).

۷- گفتن <<بسم الله>> هنگامی که دست را در آب می برد یا آب را بر آن می ریزد و بهتر است بگوید <<بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین>>.

۸- آب را در دست راست بریزد

هر چند برای شستن دست راست ؛ بدین معنا که اول آب را در دست راست بریزد سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بریزد.

۹- خواندن دعاهای وارده

هنگام وضو و بعد از آن. (۱)

۱۰- برای شستن بار اول دستها

مردان آب را بر قسمت بیرونی آرنج

و زنان بر قسمت داخلی

جایی که دست خم می شود بریزند.

۱۱- آب را بر قسمت بالای عضو بریزد.

۱۲- آب را بر عضو بریزد نه عضو را در آب فرو برد.

۱۳- برای شستن

دست بر اعضا بکشد

هر چند بدون کشیدن دست

شسته شود.

۱۴- تمام اعمال وضو را با حضور قلب انجام دهد.

۱۵- هنگام وضو سوره <<قدر>> بخواند.

۱۶- پس از اتمام وضو <<آیالکرسی>> بخواند.

۱۷- هنگام شستن صورت

چشمها را باز بگذارد.(۲)

مکروهات وضو

۱- کمک گرفتن از دیگران در مقدمات قریبه وضو؛ مثل ریختن آب در دست وضو گیرنده .

۲- وضو گرفتن در محل استنجاء

مثلاً در توالت .

۳- وضو گرفتن از ظرفی که طلاکوب یا نقره کوب است یا نقش صورت بر آن می باشد.

۴- وضو گرفتن با این آبها:

-- آبی که در آفتاب گرم شده .

-- آبی که در انجام غسل واجب بکار رفته .

-- آب متعفن . (ولی اگر مضاف باشد وضو باطل است و اگر ضرر داشته باشد

جایز نیست)

-- آب نیم خورده هر حیوان حرام گوشتی .(۱)

۱- برخی از دعاهاى وضو در صفحه ۴۷ گذشت .

۲- عرو الوثقی

ج ۱ فصل فی بعض مستحبات الوضوء

ص ۱۹۸ تا ۲۰۰

۳- عرو الوثقی

ج ۱ ص فصل فی مکروهات الوضوء

ص ۲۰۰ تا ۲۰۲

مسائل متفرقه وضو

۱- وضو گرفتن در دستشویی هایی که آب آن به چاه توالت می ریزد باطل نیست. (۱)

۲- اگر در حال وضو گرفتن به نامحرمی نگاه کند یا دروغ بگوید و یا غیبت کند

(گرچه کار حرامی مرتکب شده است) ولی این عمل

وضو را باطل نمی کند. (۲)

۳- اگر شخص برای غرضی؛ مثلاً خواندن قرآن

وضو بگیرد و پس از وضو از آن قصد برگردد وضو باطل نیست. پس می تواند با همان وضو نماز بخواند. (۳)

۵- وضو گرفتن بدین نیت که با وضو باشد صحیح است و با همان وضو می تواند نماز بخواند. (۴)

۶- با وضوی صحیح

خواه برای عمل واجب باشد یا عمل مستحب

هرگونه عمل واجب یا مستحبی که مشروط به طهارت است می توان انجام داد. (۵)

۷- وضو گرفتن قبل از وقت نماز به نیت نماز مانع ندارد؛ مثلاً قبل از ظهر برای آن که با این وضو نماز ظهر بخواند وضو می گیرد. (۶)

حکم کلی

تمام نمازها باید با طهارت انجام شود بجز نماز میت که بدون طهارت نیز صحیح است. (۷)

استفتاء

س - از آنجا که در حال حاضر بیشتر روزنامه ها و مجلات کشور

مشمول بر آیات قرآن است معمولاً افراد پس از مطالعه

آنها را به جاهای هتک آمیز می اندازند

لذا تقاضا می‌کنیم دستور فرمایید که این نشریات از چاپ آیات قرآن و کلماتی که احترام آنها لازم است خودداری کنند و اگر بهتر است در هنگام ضرورت سعی کنند آیات قرآن را نقل به معنا کنند نه اینکه عیناً چاپ نمایند.

ج - چاپ و نشر ممنوع نیست

ولی از انداختن در جاهایی که موجب هتک می‌شود باید خودداری کنند. (۸)

۱- استفتائات

ج ۱ ص ۴۵ س ۶۹ و ۷۰

۲- همان

س ۷۱

۳- استفتائات

ج ۱ ص ۴۵ س ۷۳

۴- همان

ص ۴۶ س ۷۴ و ۷۸

۵- همان .

۶- همان

س ۷۶

۷- تحریرالوسیله

ج ۱ فصل فی غایات الوضوء

ص ۳۱

۸- استفتائات

ج ۱ ص ۱۱۴ س ۳۰۸

غسل و اقسام آن

گاهی اوقات باید برای نماز (و هر کاری که نیاز به طهارت دارد) غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند

تمام بدن را شست

اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می پردازیم :

اقسام غسل :

الف - واجب :

۱- مشترک بین مردان و زنان :

-- جنابت

-- مس میت

-- میت

۲- مخصوص بانوان :

-- حیض

-- استحاضه

-- نفاس

ب - مستحب :

۱- زمانی

غسلی که به جهت زمان خاصی مستحب است

مانند: شب قدر و روز عرفه و غسل جمعه .

۲- مکانی

غسلی که به جهت رفتن به مکان معینی مستحب می شود

مانند: رفتن به مسجدالحرام .

۳- فعلی

غسلی که به جهت انجام کار خاصی مستحب است

مانند: غسل احرام عمره یا حج .

۱- تحریر الوسيله

ج ۱ کتاب الطهارة

فصل فی الاغسال

ص ۳۶ و القول فی الاغسال المندوبه

ص ۹۷

عوامل جنابت و مسایل آن

غسل جنابت

۱- چگونه انسان جنب می شود؟

عوامل جنابت :

۱- بیرون آمدن منی از انسان :

-- کم باشد یا زیاد.

-- در خواب باشد یا بیداری .

۲- جماع (آمیزش):

-- با حلال باشد یا با حرام

-- منی بیرون بیاید یا نیاید. (۱)

۲- اگر منی از جای خود حرکت کند

ولی بیرون نیاید سبب جنابت نمی شود. (۲)

۳- کسی که منی داند منی از او خارج شده یا می داند آنچه بیرون آمده منی می باشد

جنب است و باید غسل کند. (۳)

۴- نشانه های منی :

با شهوت بیرون آید.

با فشار و جستن بیرون آید.

بعد از بیرون آمدن

بدن سست شود. (۴)

۵- کسی که آبی از او خارج شده و نمی داند منی است یا نه

در صورتی که تمام این نشانه ها را داشته باشد جنب است و گرنه جنب نمی باشد

حتی اگر یکی از علامتها وجود نداشته باشد

بجز زن و مریض که وجود یک نشانه ؛ یعنی بیرون آمدن از روی شهوت

کافی است ولی اگر بعداً متوجه شود جنب بوده

نمازهایی که با آن حال خوانده است باطل است. (۵)

۶- بیرون آمدن منی از انسان یکی از نشانه های بلوغ است و دو نشانهء دیگر آن عبارت است از:

۱- روییدن موی خشن بر عانه. (۶)

۲- کامل شدن ۱۵ سال قمری برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران .

برای تحقق بلوغ

ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد

بلکه با پدیدار شدن یکی از آنها

بلوغ حاصل می شود. پس اگر جوانی از خود منی ببیند

هر چند به سن بلوغ نرسیده باشد

بالغ است و باید به تکالیف شرعی عمل نماید. (۷)

۷- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر

حکم منی را دارد. (۸)

۸- زنان هم ممکن است مانند مردان در خواب محتلم شوند و در صورتی که یقین به خروج منی پیدا کردند غسل واجب می شود و در صورت شک چیزی بر آنها نیست. (۹)

۹- استمنا

عملی است حرام و در صورت بیرون آمدن منی

باید غسل کند. (۱۰)

۱- حریر الوسیله

ج ۱ فصل فی الاغسال

ص ۳۶ م ۱

۲- همان .

۳- همان و العرو الوثقی - ج ۱ فصل فی غسل الجناب

ص ۲۷۸

۴- همان

و العرو الوثقی

ج ۱ ص ۳۷۸

۵- همان .

۶- بالای عورت و پایین شکم .

۷- تحریر الوسیله

ج ۲ کتاب الحجر

القول فی الصغر

ص ۱۳ م ۳ و استفتاءات

ج ۱ ص ۱۲۶ س ۱

۸- توضیح المسائل م ۳۴۸

۹- استفتاآت

ج ۱ ص ۵۰ س ۹۰-۹۱

۱۰- استفتاآت

ج ۱ ص ۵۱ س ۹۴-۹۵

کارهایی که بر جنب حرام است (۱)

رساندن جایی از بدن به خط قرآن

اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب

اسامی پیامبران و ائمه (ع).

رفتن به مسجدالحرام و مسجد النبی (ص) هر چند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون رود.

توقف در مساجد.

گذاشتن چیزی در مسجد

هر چند از بیرون مسجد باشد.

خواندن سوره هایی از قرآن که سجده واجب دارد حتی یک حرف از آن .

توقف در حرم امامان : (بنا بر احتیاط واجب).

دو مسأله :

۱- اگر جنب از یک در مسجد وارد شود و از در دیگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد

بجز مسجدالحرام و مسجد النبی که عبور هم جایز نیست. (۲)

۲- مکانی را که در خانه برای نماز خواندن قرار می دهند و همچنین نمازخانهء موءسسسات و ادارات حکم مسجد ندارد. (۳)

سوره های سجده دار قرآن (۴)

سورهء ۳۲ سجده

آیه ۱۵

سورهء ۴۱ فصلت

آیه ۳۷

سوره ۵۳ نجم

آیه آخر

سوره ۹۶ علق

آیه آخر

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ فصل فی الاغسال

القول فی احکام الجنب

ص ۳۸-۳۹

۲- همان

ص ۳۸-۳۹

۳- العرو الوثقی - ج ۱ ص ۲۸۸ م ۳ استفتات

ج ۲ ص ۳۴۳

۴- تحریر الوسیله

ج ۱ فصل فی غسل الجنابه

فیما یحرم علی الجنب

ص ۳۸-۳۹

انجام غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود

خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت

و یا مستحب؛ مانند غسل جمعه

به عبارت دیگر تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر در نیت.

نحوه انجام غسل :

۱- ترتیبی (۱):

اول سر و گردن را بشوید.

و سپس نیمه راست بدن .

و بعد از آن نیمه چپ بدن را.

۲- ارتماسی :

- با نیت غسل یکباره زیر آب می رود به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد.

- یا به تدریج زیر آب می رود

که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.

- یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را حرکت می دهد.

حکم کلی

تمام غسلها در چگونگی انجام با هم تفاوتی ندارد بجز در نیت .

۱- توضیح المسائل - م ۳۶۱ و ۳۶۷ و ۳۶۸

احکام غسل

۱- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد

در صحیح بودن غسل هم شرط است

بجز موالات و از بالا به پایین شستن بدن. (۱)

۲- کسی که چند غسل بر او واجب است

می تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد.

۳- کسی که غسل جنابت کرده

نباید برای نماز وضو بگیرد

ولی با غسلهای دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم بگیرد. (۲)

۴- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد

ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست

و اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر کند کافی است. (۳)

۵- غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است ولی بنابر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد. (۱۴۰)

۶- کسی که در حال روزه یا در احرام عمره یا حج است نمی تواند غسل ارتماسی انجام دهد

ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است. (۵)

۷- در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و چنانچه با نیت غسل

آب به تمام بدن برسد کافی است. (۶)

۸- در این موارد غسل باطل است :

قصد دارد پول حمامی را ندهد و در حمام غسل کند

هر چند بعد از غسل حمامی را راضی کند.

بدون آن که بداند صاحب حمام راضی است

بخواهد مبلغ آن را نسیه بگذارد

اگر چه بعد از غسل حمامی را راضی کند.

بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده

به حمامی بدهد. (۷)

۹- اگر در بین غسل

حدث اصغر از او سر زند غسل باطل نمی شود ولی باید برای نماز وضو بگیرد

هر چند غسل جنابت باشد. (۸)

۱۰- وظیفه کسی که بعد از غسل بفهمد به قسمتی از بدن

آب نرسیده است :

الف : غسل ارتماسی بوده : باید دوباره غسل کند

چه جای آن را بداند یا نداند.

ب : غسل ترتیبی بوده :

۱- جای آن را نمی داند: باید دوباره غسل کند.

۲- جای آن را می داند:

-- در طرف چپ است : شستن همان مقداری که شسته نشده کافی است .

-- در طرف راست است : باید آن مقدار را شسته سپس طرف چپ را بشوید.

-- در سر و گردن است : باید آن مقدار را شسته و سپس طرف راست و چپ بدن را بشوید.(۹)

۱- توضیح المسائل - م ۳۸۰

۲- توضیح المسائل

م ۳۹۱

۳- توضیح المسائل

م ۳۷۲

۴- توضیح المسائل

م ۳۳۹

۵- توضیح المسائل

م ۳۷۱

۶- استفتائات

ج ۱ ص ۵۶ س ۱۱۷

۷- توضیح المسائل

م ۳۸۱-۳۸۲

۸- توضیح المسائل

م ۳۸۶

۹- توضیح المسائل

م ۳۶۹ و ۳۶۴ و ۳۶۵

شکایات غسل (۱)

شک در انجام غسل (نمی داند غسل کرده یا نه)

باید غسل کند (ولی چنانچه نماز بخوانده

صحیح است ولی برای نمازهای بعدی باید غسل کند).

شک در صحت غسل

۱- پس از اتمام غسل شک کند --- به شک اعتنا نمی شود (بنا بر صحت می گذارد).

۲- در بین غسل شک کند :

--- در شستن مقداری از طرف چپ بدن شک کند --- شستن همان مقدار کافی است .

--- در شستن مقداری از طرف راست شکست کند

---- مشغول شستن طرف چپ شده به شک اعتنا نمی شود

---- مشغول شستن طرف چپ نشده باید آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشوید.

--- در شستن مقداری از سر و گردن شک کند

---- مشغول شستن طرف چپ شده به شک اعتنا نمی شود.

---- مشغول شستن طرف چپ نشده --- باید آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ را بشوید.

۳- جایی که بدن را شک دارد جزء ظاهر است یا باطن (مانند سوراخ جای گوشواره) --- شستن آن لازم نیست .

۴- در بین غسل شک کند چیزی که مانع رسیدن آب باشد در بدن هست یا نه --- اگر احتمال او در نظر مردم بجاست (احتمال عقلائی) باید واریسی کند و گرنه لازم نیست

۱- توضیح المسائل ، م ۳۶۶ ، ۳۷۵ ، ۳۷۸ ، ۳۸۸ .

غسل مسّ میّت

۱- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده ای که سرد شده و غسلش نداده اند برساند

باید غسل مسّ میت کند. (۱)

۲- در این موارد مس بدن انسان مرده سبب غسل نمی باشد:

--- انسانی که در میدان نبرد به شهادت رسیده است

در صورتی که در میدان جان دهد.

-- مرده ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است .

-- مرده ای که غسلش داده اند.(۲)

۳- غسل مس میّت را باید مانند غسل جنابت انجام دهند

ولی کسی که غسل مسّ میّت کرده

اگر بخواند نماز بخواند

باید وضو هم بگیرد.(۳)

۴- اگر چند میّت را مسّ کند یا یک میّت را چند بار مسّ نماید

یک غسل کافی است .(۴)

۵- برای کسی که بعد از مسّ میّت غسل نکرده است

توقف در مسجد و خواندن سوره هایی که سجدهء واجب دارد مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.(۵)

۱- توضیح المسائل

م ۵۲۱

۲- تحریرالوسیله

ج ۱ ص ۶۳ و توضیح المسائل

م ۵۲۲ و ۵۲۶ و استفتاآت ص ۱۷۹

۳- توضیح المسائل

م ۵۳۰

۴- توضیح المسائل

م ۵۳۱

۵- توضیح المسائل

م ۵۳۲

غسل میّت

یکی دیگر از غسلهای واجب غسل میّت است . .

۱- هرگاه مؤمنی از دنیا برود

بر همهء مکلفین واجب است که او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند و سپس دفن کنند

و اگر بعضی انجام دهند

از دیگران ساقط می شود(۱).

۲- واجب است میت را سه غسل بدهند:

اول : با آبی که به سدر مخلوط باشد.

دوم : با آبی که به کافور مخلوط باشد.

سوم : با آب خالص (۲).

۳- کیفیت غسل میت با سایر غسلها تفاوتی - به جز در نیت - ندارد

و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است

میت را غسل ارتماسی ندهند.(۳)

۴- سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است(۴) .

۵- اگر سدر و کافور یا یکی از یانها پیدا نشود

باید به جای هر کدام که ممکن نیست میت را با آب خالص غسل بدهند.(۵)

۱ - توضیح المسائل

م ۵۴۲

۲ - توضیح المسائل

م ۵۵۰

۳ - توضیح المسائل

م ۵۶۵

۴ - توضیح المسائل

م ۵۵۱

۵ - توضیح المسائل

م ۵۵۴

غسلهای مستحب

غسلهای مستحب بسیار است

در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود و گفته شد که غسلهای مستحب به سه

دسته زمانی

مکانی و فعلی تقسیم می شود:

غسلهای زمانی

۱- غسل جمعه که از مستحبات مؤکد است و وقت آن از اذان صبح روز جمعه تا ظهر است و اگر تا ظهر انجام

نداد تا غروب روز جمعه و در روز شنبه تا ظهر به نیت قضا بجا آورد.

۲- غسلهایی که در شهبای ماه رمضان وارد شده است .

۳- غسل روز عید فطر و قربان .

۴- غسل روزهای هشتم و نهم ذی حجه .

۵- غسل روزهای اوّل

وسط و آخر ماه رجب .

۶- غسل روز عید غدیر.

۷- غسل روز مبعث .

۸- غسل شب نیمه شعبان .

۹- غسل روز میلاد پیامبر

۱۷ ربیع الاول .

۱۰- غسل روز اوّل فروردین .

غسلهای مکانی

۱- غسل ورود به حرم مکه* .

شهر مکه و قسمتی از اطراف آن تا حدودی که مشخص شده

منطقه حرم می باشد که دارای احترام واحکام خاصی است .

۲- غسل ورود به شهر مکه .

۳- غسل رفتن به مسجدالحرام .

۴- غسل رفتن به مدینه منوره .

۵- غسل رفتن به مسجدالنبی (ص) .

غسلهای فعلی

غسلهای فعلی دو قسم است :

الف : غسل برای کاری که می خواهد انجام دهد.

ب : غسل برای کاری که انجام داده است .

و اما دسته اوّل مانند:

۱- غسل احرام عمره یا حج .

۲- غسل طواف .

۳- غسل زیارت .

۴- غسل وقوف به عرفات .

۵- برای خواب دیدن یکی از ائمه (ع) .

۶- غسل سفر

به خصوص برای زیارت اباعبدالله الحسین (ع) .

۷- برای خواندن نماز استسقاء (طلب باران).

و دسته دوّم مانند:

۱- برای کشتن قورباغه .

۲- دیدن کسی که به دار آویخته اند.

۳- کسی که برای خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی نماز آیات را عمداً نخوانده

در صورتی که تمام آن گرفته باشد.

۴- برای مسّ میت پس از غسل دادن آن. (۱)

۱- - تحریرالوسیله

ج ۱ القول فی الاغسال المندوبه

ص ۹۷

تیمّم

در این موارد باید به جای وضو و غسل تیمّم کرد:

۱- آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.

۲- آب برای انسان ضرر داشته باشد (مثلاً؛ به سبب استفاده از آب

مرضی در او پیدا می شود).

۳- اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند

بیم آن می رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق

یا کسانی که به انسان مربوطند

از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و همچنین کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهند تلف می شود.

۴- بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر آن ندارد

و لباس دیگری هم ندارد.

۵- وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد بطوری که اگر وضو بگیرد یا غسل کند

تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود. (۱)

مقدار جستجو برای پیدا کردن آب :

الف : در آبادی : تا وقتی که از پیدا شدن آب ناامید شود.

ب : در بیابان :

— زمین آن پست و بلند است یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن مشکل است
باید از هر طرف به اندازه ۷ پرتاب یک تیر کمان که تقریباً دویست گام است به دنبال آب برود.

— زمین آن پست و بلند نیست و عبور مشکل نمی باشد

باید در هر طرف به اندازه ۷ پرتاب دو تیر به دنبال آب برود (۲).

چند مسأله :

۱- در هر طرفی که یقین دارد آب نیست

در آن طرف جستجو لازم نیست. (۳)

۲- برای تیمم لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد

بلکه اگر احتمال ضرر بدهد

و احتمال او در نظر مردم بجا باشد

و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود

باید تیمم کند. (۴)

۳- کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد

باید تیمم کند. (۵)

۴- اگر تیمم کند و پیش از نماز بفهمد آب برایش ضرر ندارد

تیمم او باطل است

اگر بعد از نماز بفهمد نمازش صحیح است. (۶)

۵- کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد

چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد آب برای او ضرر داشته

وضو و غسل او صحیح است. (۷)

۶- اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد

معصیت کرده ولی نماز او با

تیمم صحیح است

گرچه احتیاط مستحب است قضای آن نماز را بخواند. (۸)

۷- کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد

یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه

باید تیمم کند. (۹)

۸- اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن ؛ مثل اقامه و قنوت بخواند

باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن بجا آورد

بلکه اگر به اندازه ۷ سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند. (۱۰)

استفتاء

س - اگر در جایی انسان ؛ مانند منزل خود جنب شود و به عللی ؛ مثل دور بودن حمام یا خجالت کشیدن یا... در

حال جنابت بماند تکلیف چیست و همینطور در کوه و بیابان که به موقع دسترسی به آب ندارد؟

ج - عذرهای ذکر شده

مجوز تیمم نیست و باید غسل کند ولی اگر غسل کردن به واسطه نبودن آب یا دور بودن آب و دسترسی نداشتن به آن میسر نبود

باید برای نماز تیمم کند. (۱۱)

۱- توضیح المسائل

تیمم .

٢- توضیح المسائل

م ٦٤٨

٣- توضیح المسائل

م ٦٥٠

٤- توضیح المسائل

م ٦٧٠

٥- توضیح المسائل

م ٦٧١

٦- توضیح المسائل

م ٦٧٢

٧- توضیح المسائل

م ٦٧٣

٨- توضیح المسائل

م ٦٧٩

٩- توضیح المسائل

م ٦٨٠

١٠- توضیح المسائل

م ٦٨٣

١١ - استفتائات

ج ١ ص ٩٢ س ٢٣٦

چگونه تیمم کنیم؟

اعمال تیمم

زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است .

کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن

از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود.

کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست .

کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ .

تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود و همچنین باید معلوم کند که تیمم به جای وضو است یا غسل (۱).

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است :

-- خاک

-- ریگ

-- اقسام سنگها؛ مانند سنگ سیاه

سنگ مرمر

سنگ گچ و سنگ آهک (قبل از پخته شدن) ولی تیمم بر جواهر

مانند عقیق و فیروزه باطل است .

-- گل پخته ؛ مانند آجر و کوزه (۲)

چند مسأله :

۱- تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است

فرقی ندارد مگر در نیت (۳)

۲- به هنگام نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو و اگر به جای غسل است باید آن غسل را معین کند (۴)

۳- کسی که به جای وضو تیمم کرده است ؛ اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر بزند تیممش باطل می شود (۵).

۴- کسی که به جای غسل تیمم کرده است

هرگاه یکی از اسباب غسل

مثل جنابت یا مسّ میت پیش آید تیممش باطل می شود. (۶)

۵- تیمم در صورتی صحیح است که نتواند وضو بگیرد

یا غسل کند

بنابر این اگر بدون عذر تیمم کند صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته و آب پیدا کند

تیمم او باطل می شود. (۷)

۶- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند

لازم نیست برای نماز وضو بگیرد ولی اگر به جای غسلهای دیگر تیمم کند

با آن تیمم نمی تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد

باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد. (۸)

۷- اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید

چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد

باید بدل از وضو تیمم نماید. (۹)

۱ - توضیح المسائل

م ۷۰۰

۲ - توضیح المسائل

م ۶۸۴ و ۶۸۵ و العروة الوثقی

ج ۱ فصل فی بیان ما یصح التیمم به

ص ۴۸۵

۳- توضیح المسائل

م ۷۰۱

۴- توضیح المسائل

م ۷۰۵

۵- توضیح المسائل

م ۷۲۰

۶- توضیح المسائل

م ۷۲۰

۷- توضیح المسائل

م ۷۲۲

۸- توضیح المسائل

م ۷۲۳

۹- توضیح المسائل

م ۷۲۴

شرایط صحت تیمم

اعضای تیمم پاک باشد؛ یعنی پیشانی و دستها.

پیشانی و پشت دستها را از بالا به پایین مسح کند.

چیزی که بر آن تیمم می کند پاک و مباح باشد.

ترتیب را رعایت کند.

موالات را رعایت کند.

چیزی بین دست و پیشانی و دست و پشت دست

به هنگام مسح

فاصله نباشد. (۱)

۱- العروة الوثقی

ج ۱ فصل فی کیفیة تیمم

احکام تیمم

۱- اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود

باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینهاست تیمم کند. (۱)

۲- اگر با خاک و ریگ چیز دیگری؛ مثلاً کاه

که تیمم بر آن باطل است

مخلوط باشد نمی تواند بر آن تیمم کند

ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود

اشکال ندارد. (۲)

۳- برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده

باید مقداری بالاتر از میچ را هم مسح کند

ولی مسح بین انگشتان لازم نیست. (۳)

۴- پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند و کارهای آن را نیز پشت سر هم انجام دهد و اگر بین آنها به قدری فاصله

دهد

که نگویند تیمم می کند

باطل است. (۴)

۵- انسان باید برای تیمم

انگشتر را از دست بیرون آورد و مانعی اگر بر پیشانی یا دستها باشد برطرف کند. (۵)

۶- اگر پیشانی و پشت دستها

مو داشته باشد اشکال ندارد

ولی اگر موی سر

روی پیشانی آمده باشد

باید آن را عقب بزند. (۶)

۷- کسی که وظیفه اش تیمم است

اگر بداند تا آخر وقت عذر او برطرف می شود

باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند

ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذرش باقی می ماند

می تواند در وسعت وقت هم با تیمم نماز بخواند. (۷)

۸- کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند

می تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند. هر چند احتمال بدهد بزودی عذر او برطرف می شود

ولی در صورتی که بداند عذرش برطرف می شود باید تا پیش از تنگ شدن وقت منتظر بماند. (۸)

۹- کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند

جایز است آن دسته از نمازهای مستحبی که وقت معین دارد، مثل نافله های شبانه روز را با تیمم بخواند. (۹)

احکام کلی ۱ تمام کارهایی که با وضو صحیح است

با تیمم بدل از وضو هم صحیح است. (۱۰)

۲- کسی که بدل از غسل تیمم کرده

تا زمانی که تیمم و عذر او باقی است

مانند کسی است که غسل کرده است. (۱۱)

۳- تمام مبطلات وضو

تیمم بدل از وضو را باطل می کند و تمام موجبات غسل تیمم بدل از غسل را باطل می کند. (۱۲)

استفتاء س - کسی که آب نداشته یا آب برای او ضرر داشته و تیمم بدل از غسل جنابت کرده

آیا می تواند نماز را با اجماعت بخواند و می تواند به مسجد برود و حکم در خواندن قرآن چیست؟ ج - مانع ندارد و حکم کسی را دارد که غسل کرده است. (۱۳)

۱- توضیح المسائل

م ۶۸۶

۲- توضیح المسائل

م ۶۸۹

۳- توضیح المسائل

م ۷۰۳

۴- توضیح المسائل

م ۷۰۴

۵- توضیح المسائل

م ۷۰۷

۶- توضیح المسائل

م ۷۰۹

۷- توضیح المسائل

م ۷۱۵

۸- توضیح المسائل

م ۷۱۶

۹- توضیح المسائل

م ۷۱۷

۱۰- توضیح المسائل

م ۷۲۶

۱۱- استفتائات

ج ۱ ص ۹۷ س ۲۵۱

۱۲- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۱۱۲ م ۵

۱۳- استفتائات

ج ۱ ص ۹۷ س ۲۵۱

طهارت بدن و لباس

از جمله مسائلی که دین اسلام به آن اهمیت فوق العاده ای داده و مقررات ویژه ای برای آن دارد

مسئله طهارت و پاکیزگی بدن و محیط زندگی است. تا آنجا که یکی از شرایط قبولی برخی عبادات از جمله نماز و طواف پاکی بدن و لباس است

و بخش عمده ای از احکام شرعی نیز به این امر اختصاص یافته است.

افزون بر طهارت روح و باطن که با انجام وضو

غسل یا تیمم حاصل می شود

بدن و لباس نمازگزار باید از نجاسات (آلودگیها) پاک باشد.

لباس نمازگزار

علاوه بر طهارت

شرایط دیگری نیز دارد که در بحث <<لباس نمازگزار>> خواهد آمد. <<طهارت>> غیر از <<نظافت>> و <<نجاست>> غیر از <<کثافت>> است. ممکن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر احکام اسلام پاک نباشد

خواستهء اسلام

هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی اش باشد و اکنون سخن دربارهء طهارت است:

وقت نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام وقت نماز ابتدا یادآور می شویم که نماز یا واجب است یا مستحب نمازهای واجب هم دو دسته اند؛ بعضی از آنها تکلیف هر روز می باشد و در هر شبانه روز

در زمانهای خاصی باید بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می شود و برنامه همیشگی و هر روزه نمی باشد.

نمازهای واجب (۱) :

۱- هر روز (یومیّه) :

- صبح

- ظهر

- عصر

- مغرب

- عشاء

۲- مقطعی :

- آیات

- طواف واجب

- میّت

- قضای پدر بر پسر بزرگتر

- نمازی که با نذر واجب می شود.ن ص

۱- توضیح المسائل

نمازهای واجب .

وقت نمازهای یومیّه

برای نمازهای یومیّه سه وقت است :

۱- وقت مخصوص

۲- وقت مشترک

۳- وقت فضیلت

برای آشنایی با اوقات نماز شناخت این زمانها لازم است :

فجر دوّم

نزدیک اذان صبح

از طرف مشرق

سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را <<فجر اوّل>> گویند

هنگامی که آن سفیده پهن شد

<<فجر دوّم>> و ابتدای وقت نماز صبح است(۱).

ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت <<ظهر شرعی>> و ابتدای وقت نماز ظهر است. (۲)

مغرب

<<مغرب>> موقعی است که سرخی طرف مشرق

که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود.(۳)

نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم

وسط آن <<نیمه شب>> و آخر وقت نماز عشاء است. (۴)

وقت نماز صبح

از اذان صبح (طلوع فجر دوّم) تا طلوع آفتاب

وقت مخصوص نماز صبح است و چون نماز دیگری در این وقت واجب نیست وقت مشترکی ندارد.(۵)

وقت مخصوص و مشترک نماز ظهر و عصر

۱- از اذان ظهر تا مغرب وقت خواندن نماز ظهر و عصر است که از اوّل آن به مقدار خواندن نماز ظهر وقت مخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود باطل است. و در آخر وقت به مقدار خواندن جنماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصله بین این دو زمان وقت مشترک بین ظهر و عصر است که هر دو نماز را می توان خواند ولی نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود.(۶)

۲- اگر کسی تا وقت مخصوص عصر

نماز ظهر را نخوانده باشد

نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند. (۷)

وقت مخصوص و مشترک نماز مغرب و عشا

۱- از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است که از اوّل آن به مقدار خواندن یک نماز سه رکعتی

وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت

به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نماز عشا است و فاصله این زمان

وقت مشترک بین مغرب و عشا است که هر دو نماز را می توان خواند

ولی نماز عشا+اید پس از نماز مغرب خوانده شود. (۸)

۲- وقت مخصوص نمازهای چهار رکعتی برای مسافر به مقدار خواندن دو رکعت نماز است و برای کسی که مسافر نیست به اندازه

خواندن چهار رکعت نماز است. (۹)

۳- اگر عمداً یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب ماندن یا حائض بودن

نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند

بنابر احتیاط واجب

باید تا قبل از اذان صبح بدون این که نیت ادا یا قضا کند بجا آورد. (۱۰)

۴- وقت نماز جمعه که در روز جمعه به جای نماز ظهر خوانده می شود

اوّل ظهر است و احتیاط واجب آن ۲ است که از اوایل وقت تأخیر نیندازد. (۱۱)

وقت فضیلت نمازهای یومیّه

وقت فضیلت

زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود

ثواب بیشتری دارد.

وقت فضیلت نماز ظهر:

از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص؟ به اندازه طول شاخص افزوده شاخص

جسم میله مانندی را گویند که به طور قائم بر سطح افقی نصب شده باشد

مثلاً چوبی که عمود بر زمین باشد. گردد؛ مثلاً اگر طول شاخص یک متر باشد و هنگام ظهر ۲۰ سانتی متر سایه داشته باشد

پایان وقت فضیلت نماز ۵ هر وقتی است که سایه شاخص به ۱۲۰ سانتی متر برسد.

وقت فضیلت نماز عصر:

پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

وقت فضیلت نماز مغرب :

از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

وقت فضیلت نماز عشا:

شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب است و پایان آن ثلث شب ؛ به عبارت دیگر از هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن ۱۳ شب .

وقت فضیلت نماز صبح :

وقت فضیلت نماز صبح از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود.(۱۲)

۱- توضیح المسائل

م ۷۴۱

۵- همان

م ۷۴۱

۶- همان

م ۷۳۱

۷- توضیح المسائل

م ۷۳۱

۸- توضیح المسائل

م ۷۳۶

۹- توضیح المسائل

م ۷۳۷

۱۰- توضیح المسائل

م ۷۴۰

۱۱- توضیح المسائل

م ۷۳۴

۱۲- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۱۳۷

احکام وقت نماز

۱- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود

یا عمداً نماز را قبل از وقت شروع کند

باطل است. (۱)

۲- اگر انسان یقین کند یا دو مرد عادل بگویند وقت نماز شده و نماز را شروع کند و:

در بین نماز متوجه شود هنوز وقت داخل نشده

نمازش باطل است.

در بین نماز متوجه شود اکنون وقت نماز شده

نمازش صحیح است.

پس از نماز بفهمد تمام نماز قبل از وقت بوده

نمازش باطل است.

پس از نماز متوجه شود

بخشی از نماز قبل از وقت خوانده شده

نمازش صحیح است. (۲)

۳- مستحب است انسان نماز را اول وقت بخواند و در روایات بر این مطلب سفارش بسیاری شده است و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است

مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.(۳)

۴- اگر وقت نماز تنگ باشد

که با خواندن مستحبات بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می شود باید مستحبات را بجا نیاورد؛ مثلاً اگر بخواند قنوت بخواند وقت می گذرد

باید قنوت بخواند.(۴)

۵- اگر انسان نماز ظهر و عصر را قبل از سفر

در اول وقت آن بخواند و سپس با هواپیما مسافرت را آغاز کند و زمانی به مقصد برسد که هنوز ظهر آن روز فرا نرسیده باشد لازم نیست نماز ظهر و عصر را دوباره بخواند و همچنین اگر زمانی برسد که هنوز وقت نماز ظهر و عصر باقی است(۵).

۶- اگر پس از طلوع آفتاب

با این که نماز صبح آن روز را نخوانده است

سفر را آغاز کند و قبل از طلوع آفتاب به مقصد برسد

باید نماز صبح آن روز را به نیت ادا بخواند.(۶)

۷- اگر نماز ظهر و عصر را نخوانده باشد و پس از مغرب (که نمازش قضا شده) با هواپیما مسافرت را آغاز کند و پس از اوج گرفتن هواپیما خورشید را ببیند

باید داخل هواپیما قبل از آنکه وقت بگذرد

نماز را به نیت ادا بخواند

حتی اگر به مقدار خواندن یک رکعت از نماز

وقت باقی باشد.(۷)

۸- اگر هنگام حرکت هواپیما وقت نماز فرا نرسیده؛ مثلاً پرواز قبل از اذان صبح باشد و در هواپیما وقت نماز فرا رسیده و تمام می شود؛ یعنی قبل از طلوع آفتاب به مقصد نمی رسد

باید نماز را داخل هواپیما بخواند. یادآوری می شود که اگر هواپیما به قدری از شهر فاصله گرفته است که دیوارهای آن دیده نمی شود و در همین فاصله به طور معمول صدای اذان آنجا شنیده نمی شود باید نماز را شکسته بخواند.

استفتاء

س ۱ بیدار نمودن افراد خانواده برای نماز صبح با چه کیفیتی مجاز است؟

ج - اگر بیدار نکردن آنها موجب سهل انگاری و استخفاف به امر نماز باشد

باید آنها را بیدار نماید. (۸)

س ۲ هنگامی که میهمانی برای ما می آید و وقت نماز خواندن هم شده است ما باید کدامیک را از نظر اسلام درح آن شرایط که مهمان آمده ارجحیت بیشتری بدان دهیم

آیا باید پس از کمی که پیش مهمان نشستیم از او عذر ج بخواهیم و به خواندن نماز مشغول شویم و یا اینکه هنگامی که مهمان رفت نمازمان را بخوانیم؟

ج - مستحب است نماز را اول وقت بخوانند. (۹)

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۱۳۷

م ۷۴۴

۲- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۵۳۰ و فصل فی احکام الاوقات

م ۳ و توضیح المسائل

م ۷۴۴

۳- توضیح المسائل

م ۷۵۱

۴- توضیح المسائل

م ۷۴۷

۵- همان

م ۳

۶- تحریر الوسیله

ج ۲ ص ۶۳۲ م ۴

۷- همان .

۸- استفتائات

ج ۱ ص ۱۳۳ س ۲۵

۹- همان

ص ۲۶

مُبطلات نماز

آنگاه که نمازگزار

تکبیره الاحرام می گوید و نماز را شروع می کند

تا پایان آن

بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز

یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل است

مبطلات نماز عبارت است از:

از بین رفتن یکی از شرطهای نماز.

پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند.

خوردن و آشامیدن .

سخن گفتن .

خندیدن .

گریستن .

روی از قبله برگرداندن .

کم یا زیاد کردن ارکان نماز.

بر هم زدن صورت نماز.

دستها را بر هم گذاشتن .

آمین گفتن بعد از حمد.

پیش آمدن یکی از شکهایی که مبطل نماز است. (۱)

شکهایی که نماز را باطل می کند به تفصیل خواهد آمد.

۱- توضیح المسائل

م ۱۱۲۶

احکام مبطلات نماز

۱- اگر در بین نماز یکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است

نماز باطل است. (۱)

۲- اگر در بین نماز وضویش باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید

نماز باطل است. (۲)

۳- اگر در بین نماز خوابش ببرد نمازش باطل می شود. (۳)

۴- اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شک کند که در سجده آخر نماز است یا در سجدهء شکر

باید نماز را دوباره بخواند. (۴)

سخن گفتن

۱- اگر نمازگزار عمداً کلمه ای بگوید و بخوهد با آن معنایی را برساند

نمازش باطل است

اگر چه آن کلمه

معنایی نداشته باشد و یک حرف هم باشد. (۵)

۲- سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن نماز را باطل نمی کند ولی گفتن <<آخ>> و <<آه>> و مانند اینها که دو حرف

است اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند. (۶)

۳- در نماز نباید به کسی سلام کرد

ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد و باید

سلام را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید: <<السلام علیک>> یا <<السلام علیکم>> و نباید <<علیکم السلام>> بگوید. (۷)

۴- اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید؛ مثلاً بگوید: <<الله اکبر>> و در موقع گفتن آن

صدا را بلند کند که چیزی را به

دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی اگر به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید

اگر چه قصد ذکر هم داشته

باشد

نماز باطل است

چون قصد غیر ذکر اصل است و قصد ذکر فرع بر آن (۸) .

استفتاء

س - اگر کسی به نمازگزار سلام کند و فقط بگوید: <<سلام>> نمازگزار چگونه باید پاسخ دهد؟

ج - جواب واجب است و در جواب یا باید به لفظ <<سلام>> اکتفا کند

یا بگوید: <<سلام علیکم>>. (۹)

خندیدن و گریستن

۱- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد

نمازش باطل است .

۲- لبخند زدن نماز را باطل نمی کند.

۳- اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل است .

۴- گریه بدون صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت - هر چند با صدا باشد - نماز را باطل نمی کند. (۱۰)

روی از قبله برگرداندن :

۱- اگر عمداً به مقداری روی خود را از قبله برگرداند به طوری که نگویند رو به قبله است نمازش باطل است .

۲- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند

احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره پخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است نماز صحیح است. (۱۱)

بر هم زدن صورت نماز

اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن

به هوا پریدن و مانند اینها

هر چند ۵ روی فراموشی باشد

نماز باطل می شود. (۱۲)

۲ اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند نمازش باطل می شود. (۱۳)

۳ رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) حرام است مگر در حال ناچاری؛ مانند این موارد:

-- حفظ جان

-- حفظ مال

-- جلوگیری از ضرر مالی و بدنی ۴ شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:

-- طلبکار

طلب خود را می خواهد.

-- وقت نماز تنگ نیست؛ یعنی می تواند پس از پرداخت بدهی

نماز را در وقت آن بخواند.

-- در بین نماز نمی تواند بدهی را بپردازد. (۱۴)

۵ اگر در بین نماز متوجه شود که مسجد نجس است و: وقت نماز تنگ است: باید نماز را تمام کند و پس از نماز مسجد را تطهیر کند.
وقت نماز وسعت دارد: اگر نمی تواند در بین نماز مسجد را تطهیر کند

باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر نماید و بعد نماز را بخواند. (۱۵)

۶ شکستن نماز برای مالی که اهمیّت ندارد مکروه است. (۱۶)

دستها را بر هم گذاشتن

اگر نمازگزار مثل بعضی افراد که شیعه نیستند در حال نماز دستها را روی هم بگذارد نماز باطل است. (۱۷)

آمین گفتن

اگر بعد از حمد عمداً <<آمین>> بگوید نماز باطل است ولی اگر اشتبهاً یا از روی تقیّه بگوید نمازش باطل نیست. (۱۸)

۱- توضیح المسائل

م ۱۱۲۶

۲- همان .

۳- همان .

۴- توضیح المسائل

م ۱۱۲۹

۵- توضیح المسائل

ص ۱۵۴

۶- توضیح المسائل

م ۱۱۳۳

۷- توضیح المسائل

م ۱۱۳۷

۸- توضیح المسائل

م ۱۱۳۴

۹- استفتائات

ج ۱ ص ۳۰۰ س ۵۶۰

۱۰- توضیح المسائل

ص ۱۵۶ هفتم و هشتم از مبطلات نماز.

۱۱- توضیح المسائل

م ۱۱۳۱

۱۲- توضیح المسائل

ص ۱۵۶ نهم از مبطلات نماز.

۱۳- توضیح المسائل

م ۱۱۵۲

۱۴- توضیح المسائل

م ۱۱۵۹ تا ۱۱۶۱

۱۵- توضیح المسائل

م ۱۱۶۲

۱۶- توضیح المسائل

م ۱۱۶۰

۱۷- توضیح المسائل

ص ۱۵۳ سوم از مبطلات نماز.

۱۸- توضیح المسائل

ص ۱۵۴ چهارم از مبطلات نماز.

چیزهایی که در نماز مکروه است

۱- برهم گذاشتن چشمها.

۲- بازی کردن با انگشتان و دستها.

۳- سکوت کردن هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر

برای شنیدن حرف کسی .

۴- هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

۵- برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون اگر زیاد باشد نماز را باطل می کند). (۱)

شکایات نماز

اقسام شک در نماز (۱)

۱- شک در اجزای نماز:

-- شک در انجام جزء

-- شک در صحت جزء

۲- شک در رکعات نماز:

-- شکهایی که نماز را باطل می کند

-- شکهایی که نماز را باطل نمی کند

-- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

۳- شک در اصل نماز:

-- شک در انجام نماز

-- شک در صحت نماز

شک در اجزای نماز

اگر در انجام جزئی از اجزای نماز شک کند؛ یعنی نمی داند آن جزء را به جا آورده است یا نه

اگر جزء بعدی را شروع نکرده است؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر از محل آن گذشته است؛ به چنین شکی اعتنا نمی شود و نماز را ادامه می دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر پس از سجده قبل از شروع کردن تشهد شک کند یک سجده به جا آورده یا دو سجده باید یک سجده دیگر بجا آورد ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد

لازم نیست سجدهء دیگری انجام دهد و نماز صحیح است. (۲)

اگر در صحت جزئی از نماز شک کند؛ یعنی نمی داند جزئی که بجا آورده صحیح انجام شده یا نه بنا می گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می دهد و صحیح است؛ مثلاً در صحت کلمه یا آیه ای که خوانده است شک می کند به شک خود اعتنا نمی کند. (۳)

اگر هنگام رفتن به سجده شک کند که رکوع کرده یا نه به شک خود اعتناء نکند. (۴)

اگر در حال برخاستن شک کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد ولی اگر شک کند تشهد بجا آورده یا نه به شک خود اعتناء نکند. (۵)

شک در رکعات

شکهایی که نماز را باطل می کند:

شک در تعداد رکعات نمازهای دو رکعتی ؛ مثل نماز صبح و نماز مسافر.

شک در تعداد رکعات نماز مغرب .

شک بین یک و بیشتر از یک .

شک بین دو و بیشتر از آن

پیش از تمام شدن دو سجده .

ندانند چند رکعت خوانده است .

به علاوه شک بین <>۲ و ۵ - <>۳ و ۶ - <>۴ و ۶ نیز نماز را باطل می کند. (۶)

مسأله: اگر یکی از شکهای باطل کننده برای نمازگزار پیش آید

نمی تواند نماز را به هم بزند ولی اگر بقدری فکر کند که شک پا برجا شود

به هم زدن نماز مانعی ندارد. (۷)

شکهایی که نماز را باطل نمی کند:

اگر در نماز چهار رکعتی یکی از این شکها برای نمازگزار پیش آمد باید طبق وظیفه ای که گفته می شود عمل کند و نمازش صحیح است .

شک در رکعات نماز چهار رکعتی (۸)

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از سجده دوم	وظیفه نماز گزار در مواردی که نماز صحیح است
بین ۲ و ۳	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنابر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می خواند و پس از ایستاده نماز احتیاط یک رکعت یا دو رکعت نشسته

می خواند	سلام							
	بنابر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند .	صحیح	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	بین ۲ و ۴
دو رکعت نماز احتیاط و ایستاده و دو رکعت بنشیند بجا می آورد	بنابر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	بین ۲ و ۳ و ۴
	بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت بنشیند می خواند	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	بین ۳ و ۴
	اگر در حال قیام شک پیش آمده	صحیح	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بین ۴ و ۵
							بدون رکوع می نشیند و نماز را تمام می کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت بنشیند می خواند و اگر در حالت نشسته	بنابر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می آورد .

بجز مواردی که در جدول آمده

موارد دیگری نیز هست که کمتر اتفاق می افتد و حکم آنها از آنچه بیان شد و قواعدی که خواهد آمد روشن می شود.

چند قانون کلی

۱- اگر یکی از شکهای صحیح پیش آید نباید نماز را بشکند

بلکه باید مطابق وظیفه ای که گفته شد عمل کند و اگر نماز را بر هم بزند

معصیت کرده است. (۹)

۲- اگر یکی از شکهای صحیح پیش آید

باید مقداری فکر کند

پس اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهایی که گفته شد عمل کند.

۳- در شکهای صحیح باید بنا را بر بیشتر گذاشت

مگر آنکه یکی از اطراف شک

از چهار گذشته باشد

مثلاً در شک بین ۴ و ۵ بنا بر بیشتر گذاشته نمی شود.

۴- نماز احتیاط

برای رفع کمبود احتمالی نماز است

بنابراین در شک بین ۳ و ۴ که احتمال کمبود

یک رکعت است

یک رکعت نماز احتیاط لازم است ولی در شک بین ۲ و ۴ دو رکعت نماز احتیاط لازم است .

۵- سجدهء سهو

در موارد احتمال زیادی سهوی است

پس در شک بین ۴ و ۵ بعد از سجده دوم و شک بین ۵ و ۶ در حالت ایستاده سجده سهو لازم است .

۶- در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط واجب است می توان به جای آن دو رکعت نشسته خواند.

۷- در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط واجب است نمی توان به جای آن چهار رکعت نشسته خواند.

۸- اگر برای نمازگزار در حالت ایستاده یکی از شکهای صحیح پیش آید بجز شک ۳ و ۴ در بقیه موارد

باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن از هر طرف شک یک عدد کم می شود؛ مثلاً در شک بین ۴ و ۵ ایستاده پس از نشستن

به شک ۳ و ۴ بر می گردد و همان وظیفه را باید انجام دهد. (۱۰)

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

شک بعد از محل (توضیح آن در <<شک در اجزاء>> گذشت).

شک پس از سلام .

شک بعد از وقت نماز.

شک کثیرالشک .

شک امام و مأموم در نماز جماعت .

شک در نماز مستحبی. (۱۱)

توضیح

شک بعد از سلام

۱- اگر پس از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه ؛ مثلاً شک کند در رکعت دوم یک سجده به جا آورده یا دو سجده

یا پس از سلام نماز چهار رکعتی شک کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت به شک خود اعتنا نمی کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند. (۱۲)

۲- اگر پس از سلام شک کند و دو طرف شک باطل باشد؛ مثل آن که شک کند نماز چهار رکعتی را سه رکعت خوانده یا پنج رکعت

نمازش باطل است. (۱۳)

شک بعد از وقت

۳- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه ؛ مثلاً در شب شک کند نماز ظهر و عصر را خوانده یا نه به شک خود اعتنا نمی کند.

۴- اگر بعد از گذشتن وقت شک کند نمازی که خوانده صحیح بوده یا نه به شک خود اعتنا نمی کند. (۱۴)

شک کثیرالشک

کثیرالشک کسی است که در یک نماز

سه مرتبه شک کند

یا در سه نماز پشت سر هم

مثلاً نماز صبح

ظهر و عصر شک کند. (۱۵)

وظیفه کثیرالشک

الف - شک در رکعات نماز:

۱- طرف بیشتر شک

نماز را باطل نمی کند؛ مثلاً در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار برایش پیش می آید: بنا را بر بیشتر می گذارد.

۲- طرف بیشتر شک

نماز را باطل می کند: بنا را بر کمتر می گذارد؛ مثلاً در شک بین چهار و پنج بنا را بر چهار می گذارد.

ب - شک در اجزای نماز:

۱- انجام آن نماز را باطل نمی کند: باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده؛ مثلاً شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده: بنا می گذارد بر انجام دو سجده.

۲- انجام آن نماز را باطل می کند: باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده؛ مثلاً شک کند یک رکوع به جا آورده یا دو تا: بنا می گذارد بر انجام یک رکوع. (۱۶)

شک امام و مأموم

در نماز جماعت اگر امام جماعت شک کند ولی مأموم شک نداشته باشد و مثلاً با گفتن <<الله اکبر>> امام را مطلع کند

امام جماعت به شک خود اعتنا نمی کند و همچنین اگر مأموم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد همانگونه که امام جماعت

نماز را انجام می دهد او هم عمل می کند و صحیح است. (۱۷)

شک در نماز مستحبی (۱۸)

وظیفه نمازگزار:

۱- در رکعات نماز مستحبی شک کند: مانند وظیفه ای که برای کثیرالشک گفته شد عمل می کند.

۲- در اجزاء نافله شک کند

خواه رکن باشد یا غیر رکن :

محل آن نگذشته : باید آن را بجا آورد.

محل آن گذشته : به شک اعتنا نمی کند.

شک در اصل نماز (۱۹)

شک در انجام نماز

قبل از گذشتن وقت — باید نماز را بخواند.

پس از گذشتن وقت — لازم نیست آن نماز را بخواند.

شک در صحت نماز

— اعتنا نمی شود.

مسأله :

کسی که در انجام نماز کثیرالشک است حکم افراد عادی را دارد ولی وسواسی به شک خود اعتنا نمی کند هر چند در وقت نماز شک کند. (۲۰)

حکم گمان در نماز

در اصل نماز: حکم شک را دارد. (۲۱)

در رکعات نماز: حکم یقین را دارد. (۲۲)

در اجزاء و افعال نماز: در مواردی که با وظیفه شک مخالف است

بنابر احتیاط واجب

باید احتیاط کند؛ مثلاً اگر در حال قیام قبل از رفتن به سجده گمان به انجام رکوع دارد ولی یقین ندارد (۲۳) رکوع رابجا می آورد و نماز را هم اعاده می کند. (۲۴)

۱- بحث شکایات بجز آنچه از توضیح المسائل می باشد از تحریرالوسیله ج ۱ ص ۱۹۸ تا ۲۰۰ آورده شده است .

۲- همان و توضیح المسائل

م ۱۱۶۸

۳- همان .

۴- توضیح المسائل

م ۱۱۷۱

۵- همان

م ۱۱۷۲

۶- توضیح المسائل

م ۱۱۶۵

۷- توضیح المسائل

م ۱۱۶۶

۸- توضیح المسائل

م ۱۱۹۹ و العرو الوثقی

ج ۲ ص ۲۰ م ۳

۹- توضیح المسائل

م ۲۰۰۰

۱۰- توضیح المسائل

م ۱۱۹۹

١١- توضيح المسائل

م ١١٦٧

١٢- توضيح المسائل

م ١١٧٩

١٣- توضيح المسائل

م ١١٧٩

١٤- توضيح المسائل

م ١١٨٠ و ١١٨١

١٥- همان

م ١١٨٤

١٦- تحرير الوسيله

ج ١ كتاب الصلأ

القول فى الشكوك التى لا اعتبار بها

ص ٢٠٧ و توضيح المسائل

م ١١٨٥

١٧- همان .

١٨- همان

م ١١٩٣ و ١١٩٥

١٩- تحرير الوسيله

ج ١ كتاب الصلأ

القول فى الشك

ص ١٩٨-٢٠٦

۲۰- همان

ص ۲۰۰ م ۸

۲۱- همان

ص ۱۹۸ م ۱

۲۲- همان

ص ۲۰۹ م ۱

۲۳- در این فرض اگر شک می داشت

به شک خود اعتناء نمی کرد و رکوع بجا نمی آورد

پس وظیفهء شک

ترک رکوع است ولی گمان به انجام رکوع دارد.

۲۴- همان .

نماز احتیاط

۱- در مواردی که نماز احتیاط واجب می شود؛ مثل شک بین ۳ و ۴ باید بعد از سلام نماز بدون آن که صورت نماز را بهم بزند یا مبطلی از مبطلات نماز را انجام دهد

برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.(۱)

فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

-- نیت آن را نباید به زبان آورد.

-- سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).

-- حمد را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب).

۲- اگر یک رکعت نماز احتیاط واجب باشد

پس از سجده ها

تشهد می خواند و سلام می دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد

نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند

بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم

تشهد خوانده

سلام می دهد. (۲)

۳- اگر پس از سلام نماز

نماز احتیاط را عمداً یا سهواً نخواند

بنابر احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند. (۳)

۴- کسی که نشسته نماز می خواند اگر شکی برایش پیش آید که باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند یا شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند باید دو رکعت نشسته بجا آورد. (۴)

استفتاء

س - کسی که وظیفه اش خواندن نماز به طور خوابیده است اگر شک بین ۳ و ۴ کند باید یک رکعت نماز احتیاط بخواند یا دو رکعت؟ یا بستگی به نیت دارد؟

ج - مخیر است بین یک رکعت خوابیده به جای یک رکعت ایستاده یا دو رکعت خوابیده به جای دو رکعت نشسته (۵).

۱- همان

القول فی رکعات الاحتیاط

ص ۲۱۰ م ۱ و ۲

۲- توضیح المسائل

م ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶

۳- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۱۰ م ۱

۴- توضیح المسائل

م ۱۲۱۲

۵ استفتائات

سجده سهو

۱- در مواردی که سجده سهو واجب می شود

باید بعد از سلام نماز

به سجده رود و بگوید: بسم الله و بالله اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و بهتر است بگوید: بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمۀ الله و برکاته و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید سپس بنشیند و تشهد و سلام را بجا آورد (۱).

۲- سجده سهو تکبیرة الاحرام ندارد.

۳- موارد سجده سهو:

واجب :

۱- در بین نماز سهواً حرف بزند.

۲- یک سجده را فراموش کند و پس از وارد شدن به رکوع رکعت بعد

یادش بیاید.

۳- در نماز چهار رکعتی

شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته یا ۵ و ۶ در حالت ایستاده پیش آید. (۲)

احتیاط واجب :

۱- سلام بی جا؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام بدهد.

۲- تشهد را فراموش کند.

احتیاط مستحب : مقداری از سلام واجب نماز بی جا گفته شود. (۳)

۴- اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره صحیح بخواند سجده سهو واجب نیست (۴).

۵- اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آن یک مرتبه حساب شود دو سجده سهو کافی است (۵).

۲- یادآوری می شود اگر در حالت ایستاده

شک بین ۵۰ و ۶۰ پیش آید

نمازگزار باید بدون رکوع بنشیند که در این صورت به شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته برگشت می کند.

۳- توضیح المسائل

م ۱۲۳۶ و ۱۲۴۲

۴- توضیح المسائل

م ۱۲۳۹

۵- توضیح المسائل

م ۱۲۴۰

اجزای فراموش شده نماز

۱- اگر یکی از اجزاء واجب نماز عمداً ترک شود

نماز باطل است و اگر واجبات غیر رکنی سهواً ترک شود

نماز باطل نیست و قضا کردن آن لازم نیست

به جز تشهد و یک سجده که سهواً ترک شده باشد. (۱)

۲- اگر نمازگزار

سجده یا تشهد را فراموش کند بنا بر احتیاط واجب پس از سلام نماز بدون آن که صورت نماز را بر هم بزند باید قضای آن را بجا آورد و

سپس سجده سهوی که لازم شده است بجا آورد. (۲)

۳- اگر بین نماز و قضای تشهد یا سجده کاری کند که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند؛ مثلاً پشت به قبله کند باید قضای

سجده را به جا آورد و نمازش صحیح است. (۳)

۴- کسی که باید سجده یا تشهد را قضا کند اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شده باشد باید بعد از نماز سجده یا

تشهد را قضا کند بعد سجده سهو را بجا آورد. (۴)

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۱۲ م ۱

۲- همان .

۳- توضیح المسائل

م ۱۲۵۵

- توضیح المسائل

م ۱۲۶۱

نماز جماعت

وحدت امت اسلامی از مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیار داده است و برای حفظ و ادامه آن برنامه های ویژه ای دارد که یکی از آنها نماز جماعت است .

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آن که در روایات برای نماز جماعت اجر و پاداش بسیاری وارد شده است با دقت در برخی از مسائل فقهی به اهمیت این عبادت پی می بریم و در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم :

۱- مستحب است نمازهای واجب

به خصوص نمازهای یومیّه

را به جماعت بخوانند.

۲- شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است

به ویژه برای همسایهء مسجد.

۳- مستحب است

انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

۴- نماز جماعت

هر چند اوّل وقت خوانده نشود

از نماز فرادای اوّل وقت بهتر است .

۵- نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود

از نماز فرادایی که طول بدهد بهتر است .

۶- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۷- حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی اعتنایی به آن

جایز نیست .

۸- وقتی که جماعت بر پا می شود مستحب است کسی که نمازش را فرادا خوانده دوباره به جماعت بخواند.

۹- امام یا مأموم می تواند نمازی را که به جماعت خوانده دوباره به جماعت بخواند در صورتی که جماعت دوّم و اشخاص آن غیر از اوّل باشد. (۱)

استفتاء

س - اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد می تواند در منزل نماز بخواند به جای جماعت ؟

ج - مانع ندارد و جماعت بهتر است. (۲)

۱- توضیح المسائل

م ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴

۲- استفتاآت

ج ۱ ص ۲۷۷ س ۴۷۶

شرایط نماز جماعت

هنگام برپایی نماز جماعت شرایط زیر باید مراعات شود: مأموم از امام جلوتر نایستد و احتیاط واجب آن است که کمی عقب تر بایستد.

جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد. فاصله امام و مأموم و فاصله صف ها زیاد نباشد. بین امام و مأموم و همچنین بین صف ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد

ولی نصب پرده بین صف مردها و زنها اشکال ندارد. (۱)

توضیح :

مأمومین باید با امام جماعت مرتبط باشند و ارتباط آنها یا بدون واسطه است که بین امام و مأموم نباید بیش از یک گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجده مأموم تا محل ایستادن امام یا با واسطه سایر مأمومین که از جلو یا سمت راست یا چپ باید این ارتباط برقرار باشد

و این ارتباط دو شرط دارد:

بین نمازگزار و صف جلو یا کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد بیش از یک گام فاصله نباشد. اگر در صف اول ایستاده نباید مقابل او مانعی باشد که نتواند امام جماعت را ببیند پس اگر امام جماعت در محراب باشد کسانی که دو طرف محراب پشت دیوار می ایستند و امام جماعت را نمی بینند نمی توانند اقتدا کنند. ولی اگر مانعی در کار نباشد و به جهت طولانی بودن صف امام جماعت را نبیند اشکال ندارد. اگر در صفوف بعدی ایستاده است باید مانعی از دیدن صف جلو وجود نداشته باشد پس اگر صفوف جماعت تا در شبستان برسد

کسی که بیرون شبستان مقابل در ایستاده که صف جلو را می بیند و کسانی که پشت سر او ایستاده اند نمازشان صحیح است ولی کسانی که دو طرف پشت دیوار ایستاده اند و از صف جلو کسی (حتی یک نفر) را نمی بینند نمازشان باطل است. (۲)

استفتاء

س - طبقه دوم مسجد

ماءمومین زن یا مرد اقتدا می نمایند و لبه این طبقه یک دیوار نیم متری وجود دارد

آیا وجود این دیوار ضرری به جماعت آنها می زند یا خیر؟

ج - اشکال ندارد. (۳)

۱- العرو الوثقی

ج ۱ ص ۷۷۷ و ۷۷۸ فصل ۴۶ و توضیح المسائل

م ۱۴۱۵ م ۱۴۳۲ و ۱۴۳۳

۲- توضیح المسائل

م ۱۴۱۱ تا ۱۴۱۴ و ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶

۳- استفتائات

ج ۱ ص ۲۸۳ س ۴۹۸

شرایط امام جماعت

امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد:

بلوغ و عقل .

عدالت .

رجولیت (مرد بودن).

نماز را بطور صحیح بخواند.

مسلوس و مبطنون (۱) نباشد.

به واسطه عذری با لباس نجس نماز نخواند.

بیماری خوره یا پیسی نداشته باشد. (۲)

مسأله :

کسی که ایستاده نماز می خواند نمی تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند اقتدا کند. (۳)

استفتاء

س - آیا مأمومی که قرائتش فصیحتر از امام جماعت است

می تواند برای نماز جماعت به این امام اقتدا کند؟

ج - اقتدا صحیح است. (۴)

س - آیا می شود به مأمومی که در نماز چهار رکعتی دو رکعت آن را به جماعت خوانده و دو رکعت باقی مانده را فرادا می خواند اقتدا کرد؟

ج - مانع ندارد. (۵)

۱- سلوس کسی است که کنترل ادرار ندارد و مبطنون کسی است که مدفوع را نمی تواند کنترل کند.

۲- توضیح المسائل

م ۱۴۵۳ ۱۴۵۵ ۱۴۵۷ تا ۱۴۵۹

۳- توضیح المسائل

م ۱۴۵۵

۴- استفتاآت

ج ۱ ص ۲۸۰ س ۴۸۹

۵- همان ، ص ۲۹۴ ، ص ۵۳۷

نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح است :

شماره	نماز امام جماعت	نماز ماموم	توضیح
۱	ادای یومیّه	ادای یومیّه	هر کدام از نمازهای یومیّه را می توان به دیگری اقتدا کرد؛ مثلاً نماز ظهر را به عصر (۴۵)
۲	قضای یومیّه	قضای یومیّه	هر چند هماهنگ نباشد مثلاً امام جماعت قضای ظهر را می خواند و ماموم قضای صبح را (۱)
۳	ادای یومیّه	قضای یومیّه	هر کدام از قضای یومیّه را می توان به نماز ادا اقتدا کرد؛ مثلاً نماز قضای صبح را به ادای ظهر (۲)
۴	قضای یومیّه	ادای یومیّه	هر کدام که باشد هر چند هماهنگ نباشد .
۵	آیات	آیات	هر چند آیات متحد نباشد؛ مثلاً یکی نماز برای زلزله می خواند دیگری برای صاعقه (۳)
۶	عیدین	عیدین	به قصد رجاء در زمان غیبت اشکال ندارد (۴)
۷	تمام	شکسته	ولی مکروه است ؛ یعنی ثوابش کمتر است (۵)
۸	شکسته	تمام	ولی مکروه است ؛ یعنی ثوابش کمتر است (۶)
۹	میّت	میّت	صحیح است (۷)

مسأله :

اگر امام جماعت نماز قضاء یومیّه خود یا دیگری را می خواند در صورتی که نماز قضای قطعی باشد اقتدای به او اشکال ندارد ولی در صورتی که احتیاطاً نماز را قضا می کند نمی توان به او اقتدا کرد (۵۲)

۱- همان

م ۱۴۰۹

۲- همان

م ۱۴۰۹

۳- تحریر الوسیله

ج ۱ کتاب الصلأ

القول فی صلأ الآیات

م ۱۲

۴- توضیح المسائل

م ۱۴۰۷

۵- همان

م ۱۴۹۰

۶- تحریر الوسیله

ج ۱ کتاب الطهارأ

القول فی الصلأ علی میّت

ص ۷۹

۷- توضیح المسائل

م ۱۴۰۹

نمازها و حالتهاى مختلفى كه جماعت صحيح نيست :

۱- نمازهاى مستحبى

به جز نماز طلب باران و نمازهاى واجب كه به جهتي مستحب شده است ؛ مانند نماز عيدين در زمان غيبت كه به قصد رجاء به جماعت صحيح است .

۲- هيچكدام از نمازهاى يوميّه را نمى توان به نمازهاى آيات اموات

احتياط اقتدا كرد و عكس آن نيز صحيح نيست (۱).

۳- صحيح بودن نماز طواف نيز به جماعت محل اشكال است . (۲)

۴- اگر انسان نداند نمازی را که امام جماعت می خواند نماز واجب یومیّه است یا نماز مستحب نمی تواند به او اقتدا کند(۳).

استفتاء

س - آیا در غیر حج شیعیان می توانند به امام جماعت اهل تسنن اقتدا نمایند یا خیر؟

ج - می توانند.(۴).

۱- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۷۶۵ و ۷۶۶ کتاب الصلاة

فصل فی صلاة جماعة

م ۴ و ۶ تحریر الوسیله

ج ۱ کتاب الصلاة

فصل فی صلاة الجماعة

م ۱

۲- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۶۵ م ۱

۳- توضیح المسائل

م ۱۴۱۰

۴- استفتاءات

ج ۱ ص ۲۷۹ س ۴۸۴

چگونگی اقتدا به امام جماعت

رکعت اول

۱- در بین قرائت - مأموم حمد و سوره را نمی خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.

۲- در رکوع - رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.(۱).

رکعت دوّم

۱- در بین قرائت — مأموم حمد و سوره را نمی خواند و با امام قنوت و رکوع و سجده را به جا می آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می خواند بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم خیز بنشیند و اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم می باشد حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام کرد و برای رکعت چهارم بر می خیزد مأموم باید پس از دو سجده تشهد بخواند و برخیزد و قرائت رکعت سوّم را به جا آورد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام نماز را به پایان می برد یک رکعت دیگر می خواند(۲).

۲- در رکوع — رکوع را با امام جماعت به جا می آورد و بقیّه نماز را همانگونه که گفته شد

انجام می دهد.

۳- در قنوت — قنوت را با امام جماعت می خواند و همانند آنچه برای اقتدای در بین قرائت گفته شد

عمل می کند.

رکعت سوّم

۱- در بین حمد یا تسبیحات — چنانچه می داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد

می تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند و اگر می داند فرصت ندارد بنا بر احتیاط[; واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود سپس به او اقتدا کند. ۲- در رکوع — چنانچه در رکوع اقتدا کند

رکوع را با امام به جا می آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است

و بقیّه نماز را همانگونه که قبلاً بیان شد به جا می آورد.(۳)

۳۹۸

رکعت چهارم

۱- در بین حمد یا تسبیحات — حکم اقتدا در رکعت سوّم را دارد

و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز خبرای تشهد و سلام می نشیند مأموم می تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد

و می تواند به طور نیم خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

۲- در رکوع — رکوع و سجده ها را با امام به جا می آورد

(اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیّه نماز را همانگونه که گذشت انجام می دهد.(۴)

۱- توضیح المسائل

م ۱۴۲۷

۲- توضیح المسائل

م ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰

۳- توضیح المسائل

م ۱۴۴۳ - ۱۴۴۲ و تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۷۱ - ۲۷۲ م ۵ - ۶ - ۸

۴- همان .

وظیفهء مأموم در نماز جماعت

۱- مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید(۱).

۲- مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد باید حمد و سوره را بخواند(۲).

چگونگی پیروی مأموم

از امام جماعت :

-- در اقوال ؛ مانند حمد

سوره

ذکر و تشهد

جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد

مگر در تکبیره الاحرام .

-- در اعمال ؛ مانند رکوع

سر برداشتن از رکوع و سجده پیش افتادن جایز نیست

پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد یا به سجده برود معصیت کرده گرچه نمازش صحیح است ولی عقب افتادن اگر زیاد نباشد اشکال ندارد (۳).

مسأله :

اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند

ممکن است یکی از این حالت ها را داشته باشد:

— قبل از تمام شدن ذکر رکوع امام جماعت به رکوع می رسد — نمازش به جماعت صحیح است .

— وقتی به حد رکوع می رسد

ذکر رکوع امام جماعت تمام شده ولی هنوز امام در رکوع است — نمازش به جماعت صحیح است .

— به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد — نمازش به طور فرادا صحیح است . (۴)

اگر مأوموم

سهواً پیش از امام ۱: به رکوع رود — واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود. ۲: از رکوع برخیزد — چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر از رکوع بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است

نماز را باطل نمی کند. (۵)

۳- به سجده رود — واجب است

سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود. (۶)

۴- سر از سجده بردارد — باید به سجده برگردد. (۷)

۱- توضیح المسائل

م ۱۴۶۷

۲- توضیح المسائل

م ۱۴۶۱

۳- توضیح المسائل

م ۱۴۶۷- ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰ العروة الوثقی

ج ۱ ص ۷۸۵ م ۷

۴- توضیح المسائل

م ۱۴۲۷

۵- توضیح المسائل

م ۱۴۷۱

۶- همان

م ۱۴۷۸

۷- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۷۸۶ م ۱۲ و توضیح المسائل

م ۱۴۷۲

احکام نماز جماعت

۱- اگر جای مأوم بلندتر از امام باشد در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد اشکال ندارد؛ مثل آن که امام در صحن مسجد و مأوم در پشت بام به نماز بایستد ولی اگر مثل ساختمانهای چند طبقه این زمان باشد جماعت اشکال دارد. (۱).

۲- اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده اند بچه‌ها ممیز؛ یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد فاصله شود و فاصله بیش از یک گام باشد و: می‌دانند نماز او صحیح است - می‌توانند اقتدا کنند.

می‌دانند نماز او باطل است - نمی‌توانند اقتدا کنند..

بودن یک کودک در حال نماز

هر چند نمازش باطل باشد

اشکال ندارد.

نمی‌دانند نمازش صحیح است یا باطل - می‌توانند اقتدا کنند. (۲).

۳- بعد از تکبیر امام جماعت اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده می‌تواند تکبیر بگوید. (۳).

۴- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه آنها نیت فرادا نمایند اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد

نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد فرادا می‌شود و صحیح است. (۴).

۵- اگر امام ایستاده باشد و مأوم نداند که در کدام رکعت است می تواند اقتدا کند ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است. (۵).

استفتاء

س - در صف جماعت اگر در یک صف یا صفها بین مردان که در یک طرف قرار دارند و زنان که در طرف دیگرند

حجابی نباشد

آیا نماز آنها اشکال ندارد؟

ج - اشکال ندارد. (۶)

برخی از مستحبات و مکروهات نماز جماعت

مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند. ۲. مستحب است صفهای جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده اند فاصله نباشد. ۳. مستحب است بعد از گفتن <<قد قامت الصلوة>> مأومین برخیزند. ۴. مستحب است امام جماعت حال مأومی را که از دیگران ضعیف تر است رعایت کند و عجله نکند

تا افراد ضعیف برسند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد

مگر آن که بداند همهء کسانی که به او اقتدا کرده اند به طولانی شدن مایلند. ۵. اگر در صف های جماعت جا باشد

مکروه است انسان تنها بایستد. ۶. مکروه است مأوم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود. (۷)

۱- توضیح المسائل

م ۱۴۱۶

۲- توضیح المسائل

م ۱۴۱۷

۳- توضیح المسائل

م ۱۴۱۸

۴- توضیح المسائل

م ۱۴۳۸

۵- توضیح المسائل

م ۱۴۴۶

۶- استفتاءت

ج ۱ ص ۲۸۰ س ۴۹۰

۷- توضیح المسائل

م ۱۹۷-۱۹۸

نماز جمعه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان <<نماز جمعه >> است و نمازگزاران در روز جمعه می توانند به جای نماز ظهر نماز جمعه بخوانند.(۱).

اهمیت نماز جمعه

امام خمینی قدس سره در اهمیت نماز جمعه چنین نگاشته اند:

<<نماز جمعه و دو خطبه آن مانند حج و نماز عید فطر و قربان از مراسم بزرگ مسلمانان است ولی متأسفانه مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت غافل و ناآگاهند در صورتی که انسانی با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری سیاسی اجتماعی و اقتصادی اسلام در می یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می داند نادانی است که نه اسلام را می شناسد و نه سیاست را(۲).

۱- تحریرالوسیله

ص ۲۳۱ م ۱

۲- تحریرالوسیله

ج ۱ ص ۲۳۴ م ۹

چگونگی نماز جمعه و شرایط آن

واجبات :

نماز جمعه دو رکعت است ؛ مانند نماز صبح ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می شود.(۱)

مستحبات :

۱- خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه).

۲- خواندن سوره <<جمعه >> بعد از حمد

در رکعت اول (توسط امام جمعه).

۳- خواندن سوره <<منافقون>> پس از حمد

در رکعت دوم (توسط امام جمعه).

۴- خواندن دو قنوت؛ یکی در رکعت اول پیش از رکوع

دیگری در رکعت دوم پس از رکوع. (۲)

شرایط نماز جمعه

۱- تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود در نماز جمعه هم معتبر است؛ مثل اتصال صفوف.

۲- باید به جماعت برگزار شود و فرادا صحیح نیست.

۳- حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است؛ یک نفر امام و چهار نفر مأوم.

۴- بین دو نماز جمعه

حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد. (۳)

۱- همان

ج ۱ کتاب الصلاة

فروع تلحق بصلاة الجمعة

فرع الخامس .

۲- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۳۲ الثانی .

۳- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۳۱

وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه ها

۱- باید ایستاده خطبه بخواند.

۲- بنابر احتیاط واجب با صدای بلند خطبه بخواند؛ به طوری که همه مستمعین بشنوند و می تواند از بلندگو استفاده کند.

۳- باید بین دو خطبه کمی بنشینند.

۴- و مستحب است :

-- عمامه بر سر بگذارد.

-- نظیف ترین لباسها را بپوشد و خود را معطر کند.

-- در آغاز خطبه به مستمعین سلام کند.

-- رو به مردم باشد.

-- بر چوب یا عصا یا شمشیری تکیه کند.

-- هنگام ایراد خطبه نیز با طهارت باشد.(۱)

محتوای خطبه ها

خطبه اول :

۱- حمد و سپس ثنای الهی را به جا آورد.

۲- صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد (بنابر احتیاط واجب).

۳- مردم را به تقوا توصیه کند.

۴- سوره کوتاهی از قرآن بخواند.

خطبه دوم :

۱- حمد و سپاس الهی را به جا آورد.

۲- بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد.

۳- مردم را به تقوا توصیه کند (بنابر احتیاط واجب).

۴- سوره کوتاهی از قرآن بخواند (بنابر احتیاط واجب).

۵- بر ائمه مسلمین (ع) درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن طلب آموزش کند (بنابر احتیاط مستحب).(۲)

و سزاوار است این مطالب را نیز بگوید. ۱. آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند. ۲. مردم را از آنچه در جهان می گذرد و به سود و زیان مسلمانان است

آگاه کند. ۳. از مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت ها سخن بگوید. ۴. مسلمانان را از دخالت دولت های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی که منجر به بهره کشی از آنان می شود

آگاه کند. (۳)

۱- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۳۱ م ۱۲ تا ۱۴

۲- تحریر الوسیله

ج ۱ کتاب الصلاة

القول فی شرائط صلاة الجمعة

م ۷

۳- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۳۳ و ۲۳۴ م ۷- ۸- ۹

ویژگیهای امام جمعه

سزاوار است که امام جمعه این ویژگیها را داشته باشد:

-- خطیب بلیغ باشد و مقتضای حال را با عبارتهای فصیح خالی از پیچیدگی بیان کند.

-- نسبت به آنچه در کشورهای اسلامی به ویژه کشور خودش می گذرد آشنا باشد.

-- مصالح اسلام و مسلمین را بشناسد.

-- شجاع باشد و سرزنش هیچکس او را از طریق الهی باز ندارد.

-- در اظهار حق و ابطال باطل صریح باشد.

-- آنچه سبب تأثیر کلامش در نفوس می شود مراعات کند؛ از جمله: در شکل و شمایل صالحان باشد.

کردارش با موعظه هایش هماهنگ باشد. از آنچه سبب سرزنش کردن خودش یا مسخره کلامش می باشد

حتی زیاد حرف زدن و مزاح کردن بپرهیزد. همهء اینها را برای رضای خدا و به دور از حب دنیا و ریاست مراعات کند. (۱)

استفتاء

س - آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت و نماز جمعه کراهت دارد یا خیر؟

ج - کراهت ندارد

بلکه در بعضی موارد مطلوب است. (۲)

۱- تحریرالوسیله

ج ۱ کتاب الصلاة

القول فی شرایط صلاة الجمعة

م ۱۴

۲- استفتاءات

ج ۱ ص ۲۷۲ س ۴۵۶

وظیفه نماز گزاران جمعه :

۱- بنابر احتیاط واجب باید به خطبه ها گوش دهند.

۲- احتیاط مستحب است از سخن گفتن پرهیزند و چنانچه سخن گفتن

سبب از بین رفتن فایده خطبه ها و یا گوش ندادن به آنها شود

ترک آن واجب است .

۳- احتیاط مستحب است

شنوندگان هنگام ایراد خطبه ها رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده به اطراف نگاه نکنند. (۱)

- تحریرالوسیله

ج ۱ ص ۲۳۵ م ۱۴

اسباب وجوب نماز آیات

یکی از نمازهای واجب <<نماز آیات >> است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می شود؛ مانند:

-- زلزله

-- خسوف (ماه گرفتگی)

-- کسوف (خورشید گرفتگی)

هر چند کسی هم از آن نترسد

-- رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه و مانند آن

اگر بیشتر مردم بترسند.(۱)

۱- توضیح المسائل

م ۱۴۹۱ و تحریر الوسیله

کتاب الصلاة

القول فی صلاة الآیات

م ۱

چگونگی نماز آیات

۱- نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

۲- در نماز آیات

قبل از هر رکوع

سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می شود که در این صورت در دو رکعت ده حمد و ده سوره خوانده می شود

ولی می توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند که در این صورت در دو رکعت دو حمد و دو

سوره خوانده می شود.(۱)

در اینجا با تقسیم سوره <<خلاص>> چگونگی نماز آیات را می آوریم .

رکعت اول

حمد و <>بسم الله الرحمن الرحيم - رکوع .

قل هو الله احد - رکوع .

الله الصمد - رکوع .

لم یلد و لم یولد - رکوع .

و لم یکن له کفواً احد - رکوع .

و سپس سجده ها را به جا آورده

برای رکعت دوّم بر می خیزد.

رکعت دوّم

رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اوّل به جا می آورد و سپس با تشهد و سلام نماز را به پایان می برد. (۲)

۱- توضیح المسائل

م ۱۵۰۷ و ۱۵۰۸

۲- توضیح المسائل

م ۱۵۰۸۶

احکام نماز آیات

۱- اگر یکی از سبب های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست. (۱)

۲- اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است. (۲)

۳- مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است. (۳)

۴- هر یک از رکوع های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود نماز باطل است. (۴)

۵- نماز آیات را می توان به جماعت خواند

که در این صورت حمد و سوره ها را تنها امام جماعت می خواند. (۵)

۶- اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود باید به تعداد همه آنها نماز آیات خوانده شود مثلاً چندین بار زلزله شود. (۶)

۱- توضیح المسائل

م ۱۴۹۴

۲- توضیح المسائل

م ۱۵۰۹

۳- توضیح المسائل

م ۱۵۱۲

۴- توضیح المسائل

م ۱۵۱۵

۵- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۷۳۰ م ۱۳

۶- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۷۳۱ م ۲۱

نمازهای مستحبی

غفیله

۱- نماز مستحب را <<نافله>> گویند.

۲- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد

اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می آوریم: (۱)

نماز غفیله

یکی از نمازهای مستحبی نماز <<غفیله>> است که پس از نماز مغرب خوانده می شود.

کیفیت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است در رکعت اول پس از حمد به جای سوره این آیه خوانده می شود: (۲)

و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین .

و در رکعت دوم پس از حمد به جای سوره این آیه خوانده می شود: و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و لا حبه فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین .

و در قنوت آن این دعا خوانده می شود:

اللهم انى اسألك بمفتاح الغيب التى لا يعلمها الا انت ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تغفر لى ذنوبى

حج اللهم انت ولى نعمتى و به جاي جمله <<ان تغفر لى ذنوبى >> مى تواند حاجت ديگرى از خدا بخواهد.

القادر على طلبتى تعلم حاجتى فأسألك بحق محمد و آل محمد عليه و عليهم السلام لما قضيتها لى. (۳)

۱- توضیح المسائل

م ۷۶۴

۲- توضیح المسائل

م ۷۷۵

۳- توضیح المسائل

م ۷۷۵

نافله نمازهای یومیّه

نام نماز	تعداد رکعات نافله	وقت نافله
نماز صبح	۲ رکعت	قبل از نماز صبح و احتیاط آن است که قبل از فجر اول نخوانند
نماز ظهر	۴ نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز ظهر
نماز عصر	۴ نماز ۲ رکعتی (۸ رکعت)	پیش از نماز عصر
نماز مغرب	۲ نماز ۲ رکعتی (۴ رکعت)	پس از نماز مغرب تا وقتی که سرخی طرف مغرب که پس از غروب آفتاب پدید می آید از بین برود
نماز عشا	۲ رکعت نشسته (۱)	پس از نماز عشاء تا نصف شب (۲)

۱۷ رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می شود

(در غیر سفر و روز جمعه) ۲۳ رکعت نافله دارد که به علاوه ۱۱ رکعت نماز شب

جمعاً ۳۴ رکعت می شود

یعنی دو برابر تعداد رکتهای نماز واجب .

دو مسأله :

۱- در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر چهار رکعت اضافه می شود.(۳)

۲- نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را به نیت این که شاید مطلوب باشد (به قصد رجاء) می توان خواند.(۴)

۱- به نافله نماز عشاء

نماز و تیره گفته می شود و بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

۲- توضیح المسائل

م ۷۶۴ و ۷۶۸ تا ۷۷۲

۳- توضیح المسائل

م ۷۶۴

۴- توضیح المسائل

م ۷۶۷

نماز شب

نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می شود:

دو رکعت — به نیت نافله شب .

دو رکعت — به نیت نافله شب .

دو رکعت — به نیت نافله شب .

دو رکعت — به نیت نافله شب .

دو رکعت — به نیت نافله شفع .

یک رکعت — به نیت نافله وتر.(۱)

وقت نماز شب

۱- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. (۲)

۲- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند

می تواند در اول شب به جا آورد. (۳)

۱- توضیح المسائل

م ۷۶۵

۲- توضیح المسائل

م ۷۷۳

۳- توضیح المسائل

م ۷۷۴

نماز عید

در دو عید <<فطر>> و <<قربان>> خواندن نماز مخصوص عید مستحب است. (۱)

وقت نماز عید

۱- وقت نماز عید از طلوع آفتاب تا ظهر است. (۲)

۲- مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند.

۳- مستحب است در عید فطر بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند سپس نماز عید را بخوانند. (۳)

چگونگی نماز عید

۱- نماز عید فطر و قربان دو رکعت است با نه قنوت و اینگونه خوانده می شود:

— در رکعت اول نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده .

— در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام. (۴)

— در قنوت های نماز عید هر دعا و ذکر بخوانند کافی است

ولی بهتر است به امید ثواب این دعا را بخوانند:

>>اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي
جعلته للمسلمين عيداً و لمحمد صلى الله عليه و آله ذخراً و شرفاً و كرامهً و مزيداً

أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَدْخُلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ
مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ

صلواتك عليه و عليهم اللهم اني أسألك خير ما سألك به عبادك الصالحون و اعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون <<. (۵)

احكام کلی

۱ تمام نمازهای مستحبی دو رکعت است مگر نماز وتر و اعرابی .

- اعرابی یعنی عرب صحرائشین - روایت شده است که روزی یک عرب صحرائشین خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد که
مادر صحرا زندگی می کنیم و با مدینه فاصله زیاد داریم و نمی توانیم هر هفته به شهر بیاییم و در نماز جمعه شرکت کنیم

عملی به من بیاموزید تا در روز جمعه انجام دهم و فضیلت جمعه را دریابم حضرت

نمازی به او یاد دادند که جمعاً ده رکعت است ابتدا دو رکعت و سپس دو نماز چهار رکعتی با آداب خاص که در کتب ادعیه آمده است .
محلقات مفاتیح الجنان (باقیات الصالحات) نمازهای مستحبی .

۲ هیچ کدام از نمازهای مستحبی اذان و اقامه ندارد. ۳ در هیچکدام از نمازهای مستحبی خواندن سوره پس از حمد لازم نیست

مگر آن که خواندن سوره معینی در آن شرط شده باشد. (۶)

۱- توضیح المسائل

م ۱۵۱۶

۲- توضیح المسائل

م ۱۵۱۷

۳- توضیح المسائل

م ۱۵۱۸

۴- همان

م ۱۵۱۹

۵- همان

م ۱۵۲۰

۶- العروة الوثقی

ج ۱ ص ۵۱۵ م ۱ و تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۱۶۵ م ۲

اقسام روزه (۱)

۱- واجب

۲- حرام

۳- مستحب

۴- مکروه

روزه های واجب

-- روزه ماه مبارک رمضان .

-- روزه قضا.

-- روزه کفاره

-- روزه استیجاری

روزه استیجاری : روزه هایی که شخص مزد می گیرد و به نیابت از میت انجام می دهد.

-- روزه روز سوّم ایام اعتکاف

بحث اعتکاف در درس ۴۲ خواهد آمد.

-- روزه بدل قربانی حج

اگر حاجی نتواند قربانی کند

باید به جای آن

سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

-- روزه ای که به سبب نذر واجب شود.

-- روزه قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است. (۲)

روزه های حرام (۳)

-- روزه عید فطر (روز اول ماه شوال).

-- روزه عید قربان (روز دهم ماه ذی حجه).

-- روزه نذر معصیت .

-- روزه ایام تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه) برای کسی که در منا است .

-- روزه سکوت .--

روزه گرفتن با این نیت که با کسی سخن نگوید.

-- روزه وصال .

-- طج روزه گرفتن دو روز پی در پی بدون آن که در بین آنها مبطلی انجام دهد

با قصد وصال نه به طور اتفاقی .

-- روزه آخر شعبان به نیت اول رمضان .

-- روزه مستحبی فرزندی که سبب اذیت و آزار پدر و مادر شود.

-- روزه مستحبی فرزندی که پدر یا مادر او را از آن نهی کرده باشند (به احتیاط واجب).--

روزه مستحبی زن که شوهرش او را از آن نهی کرده باشد (به احتیاط واجب). (۴)

روزه های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال بجز روزه های حرام و مکروه مستحب است ولی نسبت به بعضی از روزه ها تأکید و سفارش بیشتری شده است که برخی از آنها بدین شرح است :

-- هر پنجشنبه و جمعه .

-- اولین چهارشنبه

بعد از دههء اوّل هر ماه .

-- روز مبعث (۲۷ ماه رجب).

-- عيد غدیر (۱۸ ذی حجه).

-- روز ميلاد پیامبر اکرم (ص) (۱۷ ربیع الاول).

-- روز اوّل تا نهم ذی الحجه .

-- روز عرفه چنانچه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعاهاى آن روز نشود.

-- روز اوّل و سوّم محرّم .

-- تمام ماه رجب و شعبان .

-- روز اوّل فروردین .

-- ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه (۵).

استفتاء

س - كسى كه نماز مغربش را بخواند و نماز عشاء را فراموش كند فرداى آن شب روزه بر او واجب است يانه ؟

ج - واجب نيست اگر چه موافق احتياط است . (۶)

روزه هاى مكروه

-- روزهء مستحبى مهمان بدون اجازهء ميزبان .

-- روزهء مستحبى مهمان با نهى ميزبان .

-- روزهء مستحبى فرزند بدون اجازهء پدر.

-- روزهء عاشورا.

-- روزهء عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهاى آن روز بشود.

-- روزهء روزى كه نمى داند عرفه است يا عيد قربان . (۷)

۱ - العروة الوثقى

ج ۲ كتاب الصوم

فصل ۱۵ ص ۲۴۰

۲- العروة الوثقی

ج ۲ ص ۲۴۰ و ۲۴۱ و توضیح المسائل

م ۱۳۹۰

۳- العروة الوثقی

ج ۲ کتاب الصوم

فصل ۱۵ ص ۲۴۳ و ۲۴۴

۴چ - توضیح المسائل

م ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۲

۵چ - توضیح المسائل

م ۱۷۴۸ و العروة الوثقی

ج ۲ کتاب الصوم

فصل ۱۵ ص ۲۴۰

۶چ - استفتاءات

ج ۱ ص ۳۲۷ س ۷۰

۷- توضیح المسائل

م ۱۷۴۷ و همان ص ۲۴۲

نیت روزه

نیت روزه

۱- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند به جا آورده شود. (۱)

۲- انسان می تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند. (۲)

۳- در روزه واجب نیت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تاخیر بیفتد. (۳)

۴- در روزه واجب اگر به واسطه عذری؛ مانند فراموشی یا سفر نیت روزه نکرده اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد

تا ظهر می تواند نیت روزه کند. (۴)

۵- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است. (۵)

۶- وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند صحیح است. (۶)

۷- کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید می تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر یادش بیاید روزه اش باطل است. (۷)

۸- اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود رمضان بوده از رمضان حساب می شود. (۸)

استفتاء

س - آیا کسی که قضای روزه رمضان بدهکار است می تواند نذر کند و روزه نذر به جا آورد؟

ج - نمی تواند. (۹)

۱- توضیح المسائل

م ۱۵۵۰

۲- توضیح المسائل

م ۱۵۵۱

۳- توضیح المسائل

م ۱۵۵۴ - ۱۵۶۱

۴- توضیح المسائل

م ۱۵۵۴ - ۱۵۶۱

۵- توضیح المسائل

م ۱۵۵۰

۶- توضیح المسائل

م ۱۵۵۳

۷- توضیح المسائل

م ۱۵۶۳

۸- توضیح المسائل

م ۱۵۶۸ و ۱۵۶۹

۹- استفتاءات

ج ۱ ص ۳۳۶ س ۹۷

چه چیزهایی روزه را باطل می‌کند

روزه دار باید از <<اذان صبح>> تا <<مغرب>> از برخی کارها بپرهیزد و اگر پرهیز نکند روزه اش باطل می‌شود به مجموعه این کارها <<مبطلات روزه>> گفته می‌شود که عبارتند از:

-- خوردن و آشامیدن .

-- دروغ بستن به خدا و پیغمبر (ص) و جانشینان آن حضرت (ع).

-- رساندن غبار غلیظ به حلق .

-- فرو بردن تمام سر در آب .

-- قی کردن .

-- آمیزش .

-- استمناء.

-- باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح .

-- اماله کردن با چیزهای روان. (۱).

خوردن و آشامیدن

۱- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد

روزه اش باطل می شود هر چند خوردن و آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و نفت (۲).

۲- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد روزه اش باطل می شود (۳).

۳- فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی کند هر چند زیاد باشد (۴).

۴- اگر روزه دار به سبب فراموشی (نمی داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد روزه اش باطل نمی شود (۵).

۵- انسان نمی تواند بخاطر ضعف روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد خوردن روزه اشکال ندارد (۶).

۶- فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی کند ولی اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد (۷).

تزریق آمپول

آمپول اگر به جای غذا نباشد تزریق آن روزه را باطل نمی کند هر چند عضو را بی حس کند ولی احتیاط واجب آن است از آمپولی که به جای غذا به کار می رود پرهیز کند (۸).

رساندن غبار غلیظ به حلق

۱- اگر روزه دار غبار غلیظی به حلق برساند روزه اش باطل می شود؛ چه غبار خوراکی ها باشد دمانند آرد یا غیر خوراکی مانند خاک .

۲- در این موارد روزه باطل نمی شود.

-- به حلق نرسید. (فقط به داخل دهان برسد).

-- بی اختیار به حلق برسد.

-- نمی داند روزه است .

-- شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه؟ (۹)

دروغ بستن به خدا و پیغمبر

در تمام موارد زیر دروغ بستن از روی عمد به خدا پیغمبر (ص) یا امام (ع) روزه را باطل می کند. و بنابر احتیاط واجب دروغ بستن به حضرت زهرا^۳ و سایر پیامبران : همین حکم را دارد:

- در امور دنیوی باشد یا اخروی .

- دروغ نسبت به اقوال آنان باشد یا افعال .

- با گفتار باشد یا نوشتار یا اشاره یا انجام کاری که از آن

نسبت دروغ فهمیده شود... به صراحت باشد یا کنایه .. دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری .. اخبار باشد یا پاسخ به سؤال دیگری .. دروغی که قبلاً گفته تصدیق کند; یعنی بگوید آنچه گفته ام راست است .. راستی که قبلاً گفته است تکذیب کند.(۱۰)

در این موارد روزه باطل نیست :

-- اگر قصد راستگویی داشته باشد و دروغ در آید.

-- اگر قصد دروغگویی داشته باشد و راست در آید.

-- بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته

بر وجه نقل قول یا حکایت اشکال ندارد; مثلاً در حالی که روزه است ب بگوید: یزید گفت : <>لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء ولا وحی نزل(۱۱) فرو بردن تمام سر در آب ۱ اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فرو برد

روزه اش باطل می شود. ۲- احتیاط واجب آن است که سر را در گلاب فرو نبرد ولی در آبهای مضاف دیگر در چیزهایی که روان است اشکال ندارد.

۳- در این موارد روزه باطل نیست :

-- سهواً سر را زیر آب ببرد.

-- قسمتی از سر را زیر آب ببرد.

-- نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فرو برد.

-- بی اختیار در آب بیفتد.

-- شخص دیگری به زور سر او را در آب فرو برد.

-- شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه؟(۱۲)

۳- اگر در حال روزه ماه رمضان برای غسل سر را در آب فرو برد

غسل و روزه او باطل است

مگر آنکه زیر آب دتوبه کند و در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت

غسل او صحیح و روزه باطل است. (۱۳)

قی کردن

۱ هرگاه روزه دار عمداً قی کند هر چند به سبب بیماری باشد روزه اش باطل می شود (۱۴).

۲- اگر روزه دار بی اختیار قی کند روزه اش باطل نمی شود. (۱۵) اِسْتِمْنَاءُ ۱ اگر روزه دار <<استمنا>> کند؛ یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید روزه اش باطل می شود. (۱۶)

۲- اگر بی اختیار منی از او بیرون آید؛ مثلاً در خواب جنب شود روزه اش باطل نیست. (۱۷) باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح اگر شخص جنب تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه او تیمم است تیمم نکند در برخی موارد روزه اش باطل می شود؛ اینک برخی از مسائل آن را می آوریم :

۱ اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه اش تیمم است تیمم نکند:

-- در روزه ماه رمضان: روزه اش باطل است .

-- در قضای آن :

-- در بقیه روزه ها روزه اش صحیح است. (۱۸)

۲ اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید: باید آن روزه هارا قضا کند. (۱۹)

۳ اگر روزه دار

در خواب جنب شود

واجب نیست فوراً غسل کند و روزه اش صحیح است. (۲۰)

۴ اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می داند برای غسل

قبل از اذان صبح بیدار نمی شود

نباید بخوابد و اگر خوابد و بیدار نشود

روزه اش باطل است. (۲۱)

باقی ماندن بر حیض و نفاس ۱ اگر زن قبل از اذان صبح از خون پاک شود: الف : عمداً تا اذان غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است تیمم نکند روزه اش باطل است. ب : برای غسل وقت ندارد: در روزه رمضان و قضای آن باید تیمم کند و روزه اش صحیح است . در روزه واجب دیگر یا مستحب

گرچه روزه اش بدون تیمم صحیح است

ولی احتیاطاً مستحب است که تیمم هم بکند. ۲. اگر نزدیک اذان صبح پاک شود

و برای تیمم یا غسل وقت نداشته باشد

روزه اش صحیح است. ۳. اگر بعد از اذان بفهمد که قبل از اذان پاک شده روزه اش صحیح است. ۴. اگر بعد از اذان پاک شود

روزه اش باطل است. ۵. اگر در روز حیض یا نفاس ببیند

گرچه نزدیک مغرب باشد

روزه اش باطل است. اگر مستحاضه غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده به جا آورد روزه اش صحیح است

(۲۲).

حکم کلی هیچکدام از مبطلات روزه اگر سهواً انجام شود روزه را باطل نمی کند.

۱- توضیح المسائل

م ۱۵۷۲

۲- توضیح المسائل

م ۱۵۷۳

۳- توضیح المسائل

م ۱۵۷۷

۴- توضیح مسائل

م ۱۵۷۹

۵- توضیح المسائل

م ۱۵۷۵

۶- توضیح المسائل

م ۱۵۸۳

۷- توضیح المسائل

م ١٥٨٠

٨- توضيح المسائل

م ١٥٧٦

٩- تحرير الوسيله

ج ١ ص ٢٨٥ و ٢٨٦ الثامن - توضيح المسائل

م ١٦٠٣ تا ١٦٠٧

١٠- همان .

١١- تحرير الوسيله

ج ١ ص ٢٨٤ و ٢٨٥ توضيح المسائل

م ١٥٩٦ تا ١٦٠٢

١٢- توضيح المسائل

م ١٦١٠- ١٦١٣- ١٦١٥- العروء الوثقى

ج ٢ ص

١٨٧ م ٣٦

١٣- توضيح المسائل

م ١٦١٧

١٤- توضيح المسائل

م ١٦٤٦

١٥- توضيح المسائل

م ١٦٤٦

١٦- توضيح المسائل

م ١٥٨٨

۱۷- توضیح المسائل

م ۱۵۸۹

۱۸- توضیح المسائل

م ۱۶۱۹ تا ۱۶۳۱

۱۹- توضیح المسائل

۱۶۲۲

۲۰- توضیح المسائل

م ۱۶۳۲

۲۱- توضیح المسائل

م ۱۶۲۵

۲۲- توضیح المسائل

م ۱۶۴۳

کارهایی که بر روزه دار مکروه است

۱- انجام دادن هر کاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن .

۲- بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).

۳- خیس کردن لباسی که بر تن دارد.

۴- مسواک کردن با چوب تر.

۵- کشیدن دندان و هر کاری که به سبب آن از دهان خون بیاید. (۱)

۱- توضیح المسائل

م ۱۶۵۷

قضا و كفارهء روزه

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد باید روز دیگری به جای آن روزه بگیرد پس روزه ای که بعد از وقت آن به جا آورده می شود <<روزه قضا>> نام دارد.

کفاره روزه

کفاره همان جریمه ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:

-- آزاد کردن یک برده

-- دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد

-- سیر کردن شصت فقیر

یا دادن یک مُدّ طعام به هر یک از آن ها.

کسی که کفاره بر او واجب شود باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه <<برده>> به معنای فقهی آن یافت نمی شود

مورد دوّم یا سوم را انجام می دهد و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست هر مقدار که می تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد باید استغفار کند. (۱)

در این موارد به جا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفاره ندارد:

۱- روزه دار عمداً قی کند.

۲- در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت

یک یا چند روز روزه بگیرد.

۳- در ماه رمضان

بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می کند

مثلاً آب بخورد

و بعداً معلوم شود صبح بوده است .

۴- کسی بگوید صبح نشده و روزه دار به گفته او

کاری کند که روزه را باطل می کند

و بعداً معلوم شود صبح بوده است. (۲)

۵- روزه هایی که به واسطه سفر باطل شده است. (۳)

۶- روزه های ایام حیض و نفاس بانوان. (۴)

۷- بر اثر ندانستن مسأله

مبطلی انجام داده ولی نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد

یا اصلاً ملتفت نبوده. (۵)

— اگر عمداً روزهء رمضان را نگیرد

یا عمداً آن را باطل کند

قضا و كفاره واجب می شود. (۶)

مواردی که فقط باید برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر داده شود:

۱- به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد و مرض او تا سال بعد طول بکشد و اگر چنانچه مرض او تا چندین سال طول بکشد قضای سال آخر را باید به جا آورد و سالهای گذشته را برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد (۷)

۲- کسی که به واسطهء پیری

روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از رمضان هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد. (۸)

۳- مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از رمضان هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد (۹).

مواردی که باید قضای روزه را به جا آورد و برای هر یک روز یک مد طعام به فقیر بدهد:

۱- به واسطه عذری ؛ مثلاً سفر روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا رمضان سال بعد عمداً قضای آن را به جا نیاورده است. (۱۰)

۲- به واسطه عذری روزه نگرفته و بعد از رمضان عذر او برطرف شده و تا چند سال قضا آن را تأخیر انداخته (قضا و یک كفاره ۱۰ سیری) كفاره تکرار نمی شود. (۱۱)

۳- موقعی که عذر دارد تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر قضا روزه را به جا آورده و عذر برطرف شد و پیش از آن که قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود قضا آن واجب و یک مد طعام احتیاط واجب است (۱۲).

۴- در قضا روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید. (۱۳)

۵- مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد ; اضافه بر یک مد طعام بنا بر احتیاط واجب (قضای آن را هم به جا آورد). (۱۴)

۶- زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد. (۱۵)

۷- زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد قضای آن را باید به ت جا آورد و بنا بر احتیاط واجب برای هر یک روز

یک مد طعام به فقیر بدهد. (۱۶)

۸- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد (۱۷).

۹- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد

قضای روزه را باید به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد. (۱۸)

۱۰- به واسطه عذری

غیر مرض مانند مسافرت

روزه رمضان را نگیرد و عذر او تا رمضان سال بعد طول بکشد

حقضا آن را باید به جا آورد و احتیاط مستحب آنست که برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد. (۱۹)*

۱- توضیح المسائل

م ۱۶۶۰، ۱۶۶۱

۲- توضیح المسائل

م ۱۶۸۸

۳- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۹۸ م ۴

۴- العروه الوثقی

ج ۲ ص ۳۹۰ م ۳

۵- همان

م ١٦٥٩

٦- همان

م ١٦٥٨ و ١٧١٠

٧- توضیح المسائل

م ١٧٠٣ و ١٧٠٧

٨- توضیح المسائل

م ١٧٢٦

٩- توضیح المسائل

م ١٧٢٧

١٠- توضیح المسائل

م ١٧٠٥

١١- توضیح المسائل

م ١٧٠٩

١٢- توضیح المسائل

م ١٧٠٦

١٣- توضیح المسائل

م ١٧٠٦

١٤- توضیح المسائل

م ١٧٢٧

١٥- توضیح المسائل

م ١٧٢٨

١٦- توضیح المسائل

م ۱۷۲۸

۱۷- توضیح المسائل

م ۱۷۲۹

۱۸- توضیح المسائل

م ۱۷۲۹

۱۹- توضیح المسائل

م ۱۷۰۳

احکام قضا و کفاره روزه

۱- لازم نیست قضای روزه را فوراً به جا آورد ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد انجام دهد. (۱)

۲- اگر چند ماه رمضان روزه قضا دارد هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است؛ مثلاً ده روز از رمضان آخر قضا دارد و ده روز به رمضان مانده است باید اول قضای آن را بگیرد. (۲)

۳- انسان نباید در انجام کفاره کوتاهی کند ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد. (۳)

۴- اگر کفاره بر انسان واجب شود چند سال بر آن بگذرد و به جا نیاورد چیزی بر آن اضافه نمی شود. (۴)

۵- اگر روزه خود را با کار حرامی؛ مانند استمنا باطل کند

بنا بر احتیاط واجب کفاره جمع لازم می شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد؛ اگر هر سه برایش ممکن نیست هر کدام از آن ها را که می تواند باید انجام دهد. (۵)

۶- کسی که قضای روزه رمضان را گرفته اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند باید به ده فقیر هر کدام یک مد طعام بدهد. و اگر نمی تواند طعام بدهد بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد. (۶)

استفتاء

س - کسانی که نماز و روزه شان شکسته است و همیشه سر کارند به جز تعطیلات پس باید روزه های قضا شده را چگونه و کی به جا آورند؟

ج - باید در طول سال قضا نمایند علی الاحوط. (۷)

س - زنی مدتهاست که یا حامله است و یا بچه شیر می دهد و در ماه رمضان نمی تواند روزه بگیرد

تکلیفش در مورد قضای روزه چگونه است ؟ ج - وجوب قضا ساقط نیست. (۸)

در این موارد نه قضا واجب است و نه کفاره؛ ۱: روزه های ایام کفر برای تازه مسلمان ؛ یعنی اگر کافری مسلمان شود قضای روزه های گذشته واجب نیست. (۹)

۲- کسی که به واسطه پیری نمی تواند روزه بگیرد و بعد از رمضان هم نمی تواند قضای آن را انجام دهد. ولی اگر روزه گرفتن برایش دشوار است باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد. (۱۰)

روزه قضای پدر و مادر پس از مرگ پدر

پسر بزرگ او باید نمازها و روزه های قضا شده او را به جا آورد و احتیاطاً مستحب است قضای نماز و روزه های مادر را هم به جا آورد. (۱۱)

۱- العروة الوثقی

ج ۲ ص ۲۳۰ م ۷ و تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۲۹۸ م ۴

۲- توضیح المسائل

م ۱۶۹۸

۳- توضیح المسائل

م ۱۶۸۴

۴- توضیح المسائل

م ۱۶۸۵

۵- توضیح المسائل

م ۱۶۶۵

۶- توضیح المسائل

م ۱۶۸۷

۷- استفتاآت

ج ۱ ص ۳۳۱ س ۸۴

۸- همان

ص ۳۳۲ س ۸۷

۹- توضیح المسائل

م ۱۶۹۵

۱۰- توضیح المسائل

م ۱۷۲۵، ۱۷۲۶

۱۱- این بحث به تفصیل در درس ۳۳ گذشت .

روزهء مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر

دو رکعت بخواند

نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را به جا آورد و مسافری که نمازش را تمام می خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است

باید در سفر روزه بگیرد.(۱)

حکم روزهء مسافر

۱- به سفر رفتن

-- قبل از ظهر به مسافرت می رود وقتی به حد ترخص رسید باید روزه اش را باطل کند و اگر قبل از آن روزه را باطل کند به احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

-- بعد از ظهر به مسافرت می رود روزه اش صحیح است و نباید آنرا باطل کند.

۲- از سفر برگشتن

-- قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد. - کاری که روزه را باطل می کند

انجام نداده است : باید نیت روزه کردن و روزهء آن روز را تمام کند و صحیح است .

- کاری که روزه را باطل کند انجام داده است

روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضا آن را به جا آورد.

— بعد از ظهر برسد روزه اش باطل است و باید قضا آن را به جا آورد. (۲)

مسأله : مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد

ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است. (۳)

۱- توضیح المسائل

م ۱۷۱۴.

۲- توضیح المسائل

م ۱۷۱۴، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳

۳- توضیح المسائل

م ۱۷۱۵

راههای ثابت شدن اول ماه

۱- خود انسان ماه را ببیند.

۲- عده ای که از گفته آنان یقین پیدا می شود بگویند ماه را دیده ایم و همچنین است هر چیزی که بواسطه آن یقین پیدا شود.

۳- دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده ایم .

۴- سی روز از اول شعبان بگذرد

اول رمضان ثابت می شود و سی روز از اول رمضان بگذرد اول سؤال ثابت می شود.

۵- حاکم شرع حکم کند که اول ماه است. (۱)

چند مسأله

۱- اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی شود ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند باید به آن عمل نماید. (۲)

۲- بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن

دلیل نمی شود که شب پیش

شب اول ماه بوده است. (۳)

۳- اگر در شهری اول ماه ثابت شود برای مردم شهر دیگر فایده ندارد؛ مگر آن دو شهر به هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آن ها یکی است. (۴)

۴- روزی را که انسان نمی داند آخر رمضان است یا اول شوال باید روزه بگیرد ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند. (۵)

۵- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است کسی هم که از او تقلید نمی کند باید به حکم او عمل کند ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی تواند به حکم او عمل کند. (۶)

۱- توضیح المسائل

م ۱۷۳۰

۲- توضیح المسائل

م ۱۷۳۲

۳- توضیح المسائل

م ۱۷۳۳

۴- توضیح المسائل

م ۱۷۳۵

۵- توضیح المسائل

م ۱۷۳۷

۶- توضیح المسائل

م ۱۷۳۱

تخلف از مقررات دولت اسلامی

۱- مراعات مقررات دولت اسلامی لازم و تخلف از آن جایز نیست. (۱)

۲- اجناسی که از سوی دولت اسلامی قاچان اعلام شده

خرید و فروش آنها باید مطابق مقررات اعلام شده باشد. (۲)

استفتاء

س ۱- الف: کارمندان دولت در مواردی از مزایایی برخوردار هستند؛ مانند داشتن دفترچه تعاونی و دفترچه خدماتی درمانی و استفاده از بلیط هواپیما آیا می توانند حق خود را به دوستان یا نزدیکترین ارحام خود واگذار نمایند؟

ب: اگر شخصی نیاز به اجناس جیره بندی شده ندارد آیا می تواند حق خود را به دیگری واگذار نماید؟

ج - هر عملی که بر خلاف مقررات دولت اسلامی باشد جایز نیست (۳).

س ۲- سهم قند و شکر که به قنادیها و... می دهند اگر بفروشند سود آن حلال است؟

ج - باید مقررات دولت اسلامی را مراعات نمایند. (۴)

س ۳- شخصی از انشعاب آب خانه یا مغازه اش علاوه بر مصرف خودش بدون اجازه سازمان آب به دیگران هم آب می دهد و پول آن را می گیرد

این کار برای صاحب انشعاب و برای کسانی که با دادن پول آب و هزینه انشعاب فرعی از آن آب استفاده می کند چه حکمی دارد؟

ج - تصرف در آب مزبور بدون مقررات دولت اسلامی جایز نیست (۵).

س ۴- عده ای می گویند

اجناس قاچاق که معاملات آن غیر مجاز اعلام شده منحصر به اسلحه

مواد مخدر و از این قبیل اجناس می باشد و معاملات سایر اجناس قاچاق از قبیل قماش

خرازی و غیره را مجاز می دانند خواهشمند است نظر خود را در این زمینه اعلام فرمایید.

ج - فروش اجناس قاچاق باید با مقررات دولت اسلامی باشد و چنانچه دولت مزاحمتی ندارد و در بازار فروخته می شود

مانع ندارد. (۶)

اقسام زکات و موارد وجوب زکات اموال یکی از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان پرداخت زکات است. از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید پس از نماز آمده و نشانه ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است. (۱)

در روایات متعددی که از معصومین - علیهم السلام - نقل شده آمده است: >> کسی که از پرداخت زکات جلوگیری کند از دین خارج است. (۲)

زکات موارد معینی دارد یک قسم از آن مالیات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می شود و تنها بر کسانی که قدرت مالی پرداخت آن را دارند واجب است. قسم دیگر

زکات اموال

که متعلقات معینی دارد و می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

موارد وجوب زکات اموال: (۳)

۱- غلات :

-- گندم

-- جو

-- خرما

-- کشمش

۲- دام ها:

-- شتر

-- گاو

-- گوسفند

۳- سکه ها :

-- طلا

-- نقره

۱ - مانند آیات ۱۷۷ بقره

۴ مؤمنون

۱۱ توبه . ۷۸ حج و بسیاری دیگر.

۲ - وسائل الشیعه

ج ۶ ص ۱۸

۳ - توضیح المسائل

م ۱۸۵۳

نصاب غلات و مقدار زکات آن

زکات این اشیاء در صورتی واجب می شود که به مقدار مشخصی برسد

که به آن مقدار <<حدّ نصاب>> می گویند؛ یعنی اگر محصول به دست آمده و یا تعداد دام یا طلا و نقرهء موجود

از حدّ نصاب کمتر باشد

زکات ندارد.

نصاب غلات (۱)

تمام غلات چهارگانه یک نصاب دارد که حدود ۸۵ کیلوگرم است بنابر این اگر محصول به دست آمده از این مقدار کمتر باشد

زکات ندارد. (۲)

مقدار زکات غلات

چنانچه یکی از این محصول ها به حدّ نصاب برسد

باید مقداری از آن به عنوان زکات پرداخت شود ولی مقدار زکات غلات بستگی به چگونگی آبیاری آنها دارد

و از این نظر می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

مقدار زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می شود

یا دیمی باشد ۱۱ است .

مقدار زکات محصولی که با دلو و یا موتور پمپ آبیاری می شود ۱۲ است .

محصولی که به هر دو طریق - هم از آب باران یا رودخانه و هم آب دستی آبیاری شده زکات نصف آن ۱/۱۰ و نصف دیگر ۱/۲۰ می

باشد. (۳)

۱- نصاب غلات به طور دقیق ۸۴۷۲۷ کیلوگرم است .

۲- توضیح المسائل

م ۱۸۶۴

۳- توضیح المسائل

نصاب دامها و مقدار زکات آن

گوسفند

اولین نصاب گوسفند چهل عدد است و زکات آن یک گوسفند می باشد و تعداد گوسفندان تا به چهل نرسد زکات ندارد و نصابهای بعدی آن بدین شرح است :

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۱۲۱ گوسفند	۲ گوسفند
۲	۲۰۱ گوسفند	۳ گوسفند
۳	۳۰۱ گوسفند	بنابر احتیاط واجب ۴ گوسفند
۴	۴۰۰ گوسفند و بیشتر از آن	هر صد تای آن یک گوسفند

اگر تعداد گوسفندان از یک نصاب بگذرد ولی به نصاب بعدی نرسد زکات نصاب پایین را باید بپردازد؛ مثلاً کسی که ۱۱۵ گوسفند داشته باشد زکات آن یک گوسفند است (۱).

گاو

اولین نصاب گاو سی رأس است و زکات آن یک گوساله است که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد. و نصاب بعدی آن چهل عدد است و زکات آن یک گوسالهء ماده ای است که وارد سال سوم شده باشد و در بیشتر از چهل

تا به شصت نرسیده فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و بعد از آنکه به شصت رسید

باید دو گوساله بدهد و بیشتر از شصت

باید با دد سی یا چهل یا هر دو حساب کرد ولی باید طوری حساب شود که چیزی باقی نماند یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد. (۲)

شتر

شتر دوازده نصاب دارد بدین شرح :

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۵ شتر	۱ گوسفند
۲	۱۰ شتر	۲ گوسفند
۳	۱۵ شتر	۳ گوسفند
۴	۲۰ شتر	۴ گوسفند
۵	۲۵ شتر	۵ گوسفند
۶	۲۶ شتر	یک شتری که وارد سال دوم شده باشد
۷	۳۶ شتر	یک شتری که وارد سال سوم شده باشد
۸	۴۶ شتر	یک شتری که وارد سال چهارم شده باشد
۹	۶۱ شتر	یک شتری که وارد سال پنجم شده باشد
۱۰	۷۶ شتر	دو شتری که وارد سال سوم شده باشد
۱۱	۹۱ شتر	دو شتری که وارد سال چهارم شده باشد
۱۲	۱۲۱ شتر و بیشتر از آن	برای هر چهل شتری که وارد سال چهارم شده باشد (۳)

نصاب طلا و نقره نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۵ مثقال است و زکات هر دو ۱/۴۰ می باشد (۴).

۱ - توضیح المسائل

م ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴

۲ - توضیح المسائل

م ۱۹۱۲

۳ - توضیح المسائل

م ۱۹۱۰

۴ - توضیح المسائل

م ۱۸۹۷ - ۱۸۹۷

احکام زکات

۱- آنچه برای گندم خرما و انگور خرج کرده است؛ مانند قیمت بذر مزد کارگر و مزد تراکتور و... می تواند از حاصل کسر کند ولی مقدار نصاب قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می شود و اگر قبل از کسر مخارج به حد نصاب برسد پرداخت زکات واجب شده است ولی زکات باقیمانده را می پردازد. (۱)

۲- زکات دام ها در صورتی واجب می شود که: یک سال مالک آنها باشد؛ بنابر این اگر مثلاً ۱ عدد گاو را خریداری کند و پس از ۹ ماه بفروشد؛ زکات واجب نیست. (۲)

حیوان در تمام سال بیکار باشد

بنابر این گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می شود زکات ندارد. (۳)

حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد

پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن

از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد

زکات ندارد. (۴)

۳- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه ای باشد که معامله با آن رواج دارد

بنابر این آنچه امروز بانوان به عنوان زیور استفاده می کنند

زکات ندارد اگر چه رواج باشد. (۵)

۱ - توضیح المسائل

م ۱۸۸۰

۲ - توضیح المسائل

م ۱۸۵۶

۳ - توضیح المسائل

م ۱۹۰۸

۴ - همان

۵ - توضیح المسائل

م ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰

مصرف زکات

مصرف زکات در هشت جا است که می توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:

۱- فقیران .

۲- مسکینان

آنان که به کلی درمانده و بینوایند.

۳- کسی که از طرف امام (ع) یا نایب او مأمور جمع آوری و نگهداری و توزیع زکات است (عاملین).

۴- برای الفت دادن دلها به اسلام و مسلمانان ؛ مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود

به دین اسلام می گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند (مؤلفه قلوبهم).

۵- خریداری بنده ها و آزاد کردن آنان (فی الرقاب).

۶- بدهکارانی که نمی توانند قرض خود را بدهند (غارمین).

۷- در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می رسد و مورد رضایت خداست ؛ مانند ساختن جاده پل مسجد (فی سبیل الله).

۸- مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد هر چند در وطن خود فقیر نباشد (ابن السبیل). (۱)

احکام مصرف زکات

۱- فقیری که زکات دریافت می کند باید دارای این شرایط باشد:

شیعه دوازده امامی باشد

واجب النفقه زکات دهنده نباشد؛ مانند همسر و فرزند.

اگر زکات دهنده سید نیست

زکات گیرنده نیز سید نباشد.

زکات را در معصیت مصرف نکند.

و بنا بر احتیاط واجب

آشکارا معصیت کبیر نکند(۲).

۲- به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد می تواند زکات داد.(۳)

۳- اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد پدر می تواند برای خریدن آن کتابها به او زکات بدهد.(۴)

۴- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند چنانچه تحصیل آن علم واجب یا مستحب باشد می توان به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد زکات دادن به او اشکال دارد.(۵)

۵- پدر می تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد.(۶) ۶- به کسی که معلوم نیست سید است یا نه

می توان زکات داد.(۷)

۷- پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت ؛ یعنی برای اطاعت دستور خداوند پردازد و در نیت

معین کند که زکات مال است یا زکات فطره .(۸)

۸- وقت پرداخت زکات :

- زکات طلا و نقره و دامها را پس از تمام شدن یک سال

- زکات گندم و جو را موقعی که از کاه جدا می کنند باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند - زکات خرما و انگور را موقع خشک شدن پس از جدا کردن زکات

لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد

ولی اگر به کسی آکه می شود زکات داد دسترسی دارد

احتیاط مستحب آن است که دادن زکات را "تأخیر نیندازد".(۹)

۹- اگر زکات قبل از پرداخت تلف شود:

الف : پرداخت آن ممکن نبوده --- (ضامن نیست و پرداختن عوض آن واجب نمی باشد).

ب : پرداخت آن ممکن بوده

۱- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی نکرده است -- ضامن نیست .

۲- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی کرده است - ضامن است(۱۰) .

۱۰- اگر زکات را از مال خود کنار بگذارد

می تواند در بقیه آن تصرف کند و اگرچ قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن)

می تواند در تمام آن مال تصرف کند(۱۱).

۱۱- انسان نمی تواند زکاتی را که کنار گذاشته

برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.(۱۲)

مستحبات پرداخت زکات :

۱- خویشان خود را بر دیگران

-- و اهل علم و کمال را بر غیر آنان

-- و کسانی را که گدایی نمی کنند بر گدایان مقدم دارد.

۲- زکات دامها را به فقیرهایی آبرومند بدهد.

۳- زکات را آشکارا و صدقهء مستحبی را پنهانی بپردازد.(۱۳)

۱ - توضیح المسائل

م ۱۹۲۵

۲ - توضیح المسائل

م ۱۹۴۲ - ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶

۳- همان

م ۱۹۴۷

۴ - همان

م ۱۹۵۰

۵ - همان

م ۱۹۹۰

۶ - همان

۱۹۵۱

۷ - همان

م ۱۹۵۶

۸ - همان

م ۱۹۵۷

۹ - همان

م ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲

۱۰- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۳۴۳ م ۷ و ۸

۱۱ - توضیح المسائل

م ۱۹۶۵

۱۲ - توضیح المسائل

م ۱۹۶۶

۱۳ - توضیح المسائل

م ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴

وجوب زکات فطره و شرایط آن

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان ؛ یعنی در شب عید فطر افرادی که دارای شرایط باشند باید زکاتی بپردازند که مقدار و موارد مصرف آن خواهد آمد. این زکات به نام زکات فطره خوانده می شود. افرادی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشند زکات فطره بر آنها واجب است :

۱- بالغ باشد.

۲- عاقل باشد.

۳- بندهء کسی نباشد.

۴- فقیر نباشد(۱).

فردی که دارای شرایط فوق باشد باید زکات خود و کسانی که در مغرب شب عید فطر نان خور او هستند را پردازد کوچک باشند یا بزرگ مسلمان باشند یا کافر خرج آنان بر او واجب باشد یا نه در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر (یعنی حتی اگر فرزند او که نان خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد) و همچنین مهمانی که با رضایت او پیش از غروب شب عید فطر وارد خانه اش شده باشد

باید زکات او را بدهد.(۲)

مقدار زکات فطره : هر نفری یک صاع که تقریباً ۳ کیلو است .(۳)

جنس زکات فطره : گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها(۴).

وقت وجوب زکات فطره : شب عید فطر.(۵)

وقت پرداخت زکات فطره : از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر آن است که در روز عید بدهد و اگر نماز عید می خواند بنابر احتیاط واجب قبل از نماز عید پردازد.(۶)

مصرف زکات فطره : همان مصرف زکات مال است گر چه احتیاط مستحب آن است که فقط به فقراى مؤمن واطفان آنها و به مساکین بدهد.(۷)

۱ - توضیح المسائل

م ۱۹۹۱

۲ - توضیح المسائل

م ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵

۳ - توضیح المسائل

م ۱۹۹۱

۴ - همان .

۵- تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۳۴۸

۶ - تحریر الوسیله

ج ۱ ص ۳۴۸ توضیح المسائل

م ۲۰۲۹

۷ - توضیح المسائل

م ۲۰۱۴

احکام زکات فطره

۱- کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست. (۱)

۲- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر

بدون رضایت صاحبخانه وارد می شود در صورتی که نان خور او حساب شود

واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده اند که خرجی او را بدهد. (۲)

۳- فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می شود

بر صاحبخانه واجب نیست

اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند. (۳)

۴- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد. (۴)

۵- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خودش واجب نمی شود. (۵)

۶- کسی که سید نیست نمی تواند به سید فطره بدهد

حتی اگر سیدی نان خور او باشد نمی تواند فطره او را به سید دیگر بدهد. (۶)

۷- فقیری که فطره به او می دهند لازم نیست عادل باشد ولی احتیاط واجب آن است که به شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می کند فطره ندهند. (۷)

۸- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می کند نباید فطره بدهند. (۸)

۹- احتیاط واجب آن است که به یک فقیر بیش از مخارج سالش و کمتر از یک صاع فطره ندهند. (۱۰)

۱- اگر فطره را کنار بگذارد

نمی تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد. (۱۱)

۱۱- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد. (۱۲)

۱ - توضیح المسائل

م ۱۹۹۲

۲ - توضیح المسائل

م ۱۹۹۶

۳ - توضیح المسائل

م ۱۹۹۷

۴ - توضیح المسائل

م ۲۰۰۵

۵ - توضیح المسائل

م ۲۰۰۶

۶ - توضیح المسائل

م ۲۰۰۹

۷ - توضیح المسائل

م ۲۰۱۶

۹ - توضیح المسائل

م ۲۰۱۷

۱۰ - توضیح المسائل

م ۲۰۱۸

۱۱ - توضیح المسائل

م ۲۰۲۳

۱۲ - توضیح المسائل

م ۲۰۲۵.

خُمس و مواردی که خمس واجب است

یکی دیگر از تکالیف اقتصادی مسلمانان

پرداختن <<خمس>> است

بدین معنا که در برخی موارد

باید ۱۵ مال خود را برای مصارف مشخصی به حاکم اسلامی بپردازند. در هفت چیز خُمس واجب است

۱- آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب).

۲- معدن .

۳- گنج .

۴- غنائم جنگی .

۵- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست آید.

۶- مال حلال مخلوط به حرام .

۷- زمینی که کافر ذمی (۱) از مسلمانی بخرد. (۲)

پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند.

۱ - ذمه عهد و پیمان

غیر مسلمانی که در ممالک اسلامی زندگی می کنند و با آنان پیمان بسته اند که مقررات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در عوض جان و مال آنها در امان باشد کفار ذمی هستند.

۲ - توضیح المسائل

م ۱۷۵۱

خمس منفعت کسب

یکی از موارد هفتگانه خمس که بیشتر افراد جامعه را در بر می گیرد >> خمس چیزی است که خرج سال انسان و خانواده اش زیاد بیاید.<<

برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو سؤال بپردازیم :

۱- مراد از خرج سال چیست ؟

۲- آیا یک سال با ماههای قمری محاسبه می شود یا شمسی و آغاز آن چه وقت است .

مخارج سال

اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است

بنابر این

هرکس در طول سال می تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال

اگر چیزی اضافه نیامد پرداخت خمس واجب نیست ولی پس از آن که به طور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند

- نه در مصرف زیاده روی کرد و نه بر خود تنگ گرفت - اگر در پایان هم چیزی اضافه آمد ۱/۵ آن را باید برای مصارف

مشخصی بپردازد و ۴/۵ آن را برای خود پس انداز کند.

پس

مراد از مخارج

تمام چیزهایی است که در زندگی خود و خانواده اش بدان نیاز دارد که به نمونه هایی از آن

اشاره می کنیم :

۱- خوراک و پوشاک .

۲- اثاثیه منزل مانند ظرف

فرش و...

۳- وسیله نقلیه ای که تنها برای کسب و کار نیست .

۴- مخارج مهمانی .

۵- مخارج ازدواج .

۶- کتاب های مورد نیاز.

۷- آنچه در راه زیارت مصرف می کند.

۸- جوایز و هدایایی که به کسی می دهد.

۹- صدقه و نذر و یا کفّاره ای که پرداخت می کند.(۱)

سال خمسی

انسان از اولین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اولین ماه رمضان روزه بگیرد و پس از گذشت یکسال از اولین درآمد که به دست آورده است

خمس مازاد برمخارج سال گذشته را بپردازد

بنابر این در محاسبه خمس

ابتدای سال

اولین درآمد و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن تاریخ است .

پس ؛ ابتدای سال برای :

کشاورز -- (اولین محصولی که برداشت می کند).

و برای کارمند -- (اولین حقوقی است که دریافت می کند).

و برای کارگر -- (اولین مزدی که می گیرد).

و برای مغازه دار -- (اولین معامله ای که انجام می دهد). (۲)

۱ - العروة الوثقی

ج ۲ کتاب الخمس

فصل ۱ ص ۳۹۴

۱ موالی که خمس ندارد

۱- مالی که از میت به انسان ارث برسد.

۲- چیزی که به انسان بخشیده اند.

۳- جایزه هایی که دریافت کرده است .

۴- آنچه به عنوان عیدی به انسان داده اند.

۵- مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است .

۶- مهریه ای که زن می گیرد.(۱)

۱- العروۃ الوثقی

ص ۳۸۹ - السابع ص ۳۹۰ ، م ۵۱ ، توضیح المسائل ، م ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴

چند مسأله :

۱- اگر به واسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد.(۱)

۲- اگر اثیه ای که برای منزل خریده نیازش از آن برطرف شود واجب است که خمس آن را بدهد مثل آن که یخچال بزرگتری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد(۲).

۳- آذوقه ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده ؛ مانند برنج روغن و چای اگر در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آن را بدهد.(۳)

۵- جهیزیه ای که به طور متناوب تهیه می شود با دو شرط خمس ندارد: نتواند یکجا جهیزیه را تهیه کند.

مجبور باشد که هر سال مقداری از آن را تهیه کند یا در آن محل معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می کنند به طوری که تهیه نکردن آن عیب است.(۴)

استفتاء

س - میوه ها و زراعتهایی که سر سال خمسی

وقت چیدن آنها نرسیده است آیا باید خمیشان داده شود؟

ج - باید به همان قیمت سر سال

خمس آن را بدهد. (۵)

س - زن و شوهری هر دو کار می کنند و درآمد دارند آیا به پول زن هم خمس تعلق می گیرد؟

ج - در زاید بر آنچه در بین سال خرج زندگی کرده خمس واجب است. (۶)

۱ - توضیح المسائل

م ۱۷۵۶

۲ - توضیح المسائل

م ۱۷۸۱

۳ - توضیح المسائل

م ۱۷۸

۴ - توضیح المسائل

م ۱۷۷۷

۵ - استفتاءات

ج ۱ ص ۳۴۸ م ۹

۶ - همان

ص ۲۸۶ س ۱۲۸

خمس سرمایه و معدن

۱- سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده خمس دارد (۱).

۲- اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند

اصل زمین نیز خمس دارد. (۲)

استفتاء

س - باغی را احداث کرده هم برای کسب و امرار معاش و هم استفاده شخصی از میوه های آن

آیا اصل درختهای میوه خمس دارد یا نه ؟ و آیا جزء رأس المال است یا نه ؟

ج - خمس دارد(۳).

معدن

هر آنچه که در عرف مردم معدن نامیده شود اگر محصول آن به حدّ نصاب برسد خمس دارد که از جمله معادن می توان : طلا

نقره سرب مس نفت ذغال سنگ فیروزه عقیق و نمک را نام برد.(۴)

نصاب معدن

اگر قیمت آنچه از معدن به دست آمده پس از کسر مخارج به قیمت ۱۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد بنا بر احتیاط واجب باید ۱۵ آن به عنوان خمس پرداخت شود.(۵)

۱ - استفتائات

ص ۳۴۹ س ۱۵

۲ - همان

ص ۳۴۷ س ۶

۳ - همان

ص ۳۴۷ س ۷

۴ - توضیح المسائل

م ۱۷۹۸

۵ - توضیح المسائل

م ۱۷۹۹

گنج و شرایط خمس آن

گنج

مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن گنج بگویند.(۱)

نصاب گنج اگر قیمت گنج یافت شده پس از کسر مخارج به ۱۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد خمس دارد(۲).

گنج و محل آن

۱- در ملک خودش یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.

۲- در جایی که ملک کسی نیست؛ مثلاً در بیابان یا کوه یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.

۳- در ملک دیگران پیدا کند متعلق به صاحب ملک است.

۴- در ملکی که از دیگران خریده پیدا شود:

۱- بدانند از صاحبان قبلی آن ملک نیست برای خود او می شود و باید خمس آن را بدهد.

۲- احتمال دهد که مال یکی از آنان است

باید به او اطلاع دهد و اگی معلوم شود مال او نیست باید به مالکین قبلی اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست

مال خود او می شود و باید خمس آن را بدهد.(۳)

۱ - توضیح المسائل

م ۱۸۶

۲ - توضیح المسائل

م ۱۸۸

۳ - توضیح المسائل

م ۱۸۷ و ۱۸۹

مال حلال مخلوط به حرام

اگر اموال انسان با اموال دیگران مخلوط شود ممکن است یکی از این حالتها را داشته باشد:

۱- صاحب آن معلوم

مقدار آن معلوم - (باید آن مقدار را به صاحبش برگرداند).

مقدار آن نا معلوم -- (باید یکدیگر را راضی کنند).

۱- صاحب آن نامعلوم

مقدار معلوم -- (باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.

مقدار نامعلوم -- (باید خمس آن را بپردازد

و بقیه حلال می شود. (۱)

مسأله :

اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد

بنابر احتیاط واجب مقداری را که می داند از خمس بیشتر بوده از طرف صاحب آن صدقه بدهد (۲).

۱ - توضیح المسائل

م ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۵

۲ - توضیح المسائل

م ۱۸۱۶

جواهری که با غواصی به دست آمده اگر کسی با غواصی و فرو رفتن در دریا جواهری به دست آورد و پس از کسر مخارجی که برای بیون آوردن آن شده قیمتش به ۱۸ نخود طلا (۱) برسد باید خمس آن را بدهد. (۲)

غنیمت

اگر مسلمانان به امر امام معصوم (ع) با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند غنیمت است

پس از کسر مخارجی که برای حمل و نقل آن کرده اند و نیز مقداری را که امام (ع) صلاح می داند به مصرفی برساند و کنار گذاشتن آنچه که سهم خاص امام معصوم (ع) است بقیه آن خمس دارد. (۳)

زمینی که کافر ذمی از مسلمانی خریداری کند کافر ذمی غیر مسلمانی است که تحت شرایطی در حکومت اسلامی زندگی می کند

چنین کسی اگر زمینی خریداری کند باید ۱۵ آن را به عنوان خمس تحویل دهد (۴).

۱ - هجده نخود طلا امروزه در حدود ۱۴ تومان ارزش دارد. (تابستان ۱۳۷۶ ش)

۲ - توضیح المسائل

م ۱۸۱۹

۳ - توضیح المسائل

م ۱۸۲۸

۴ - توضیح المسائل

م ۱۸۲۹

حکم اموال خمس نداده

۱- انسان

تا خمس مالش را ندهد نمی تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده نمی تواند چیزی بخرد(۱).

۲- اگر با پول خمس نداده

خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) ۱۵ آن معامله باطل است. (۲)

۳- اگر بخواهد پول خمس نداده را به صاحب حمام بدهد و در حمام غسل کند

غسل او باطل است(۳).

۴- اگر با پولی که خمس آن را نداده است

خانه بخرد

نماز خواندن در آن خانه باطل است. (۴)

۵- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده

به کسی ببخشد

۱۵ آن چیز مال او نمی شود(۵).

۱ - توضیح المسائل

م ۱۷۹

۲ - توضیح المسائل

م ۱۷۶

۳ - توضیح المسائل

م ۳۸۳

۴ - توضیح المسائل

م ۸۷۳

۵ - توضیح المسائل

م ۱۷۶۳

استفتاء

س ۱- اگر کسی در گذشته مقلد مرجعی بود که می گفت سرمایه و ابزار خمس ندارد و طبق این فتوای مرجع خود خمس نداد حالا آن مرجع فوت کرده مقلد حضرتعالی است می خواهد بداند حالا از همان سرمایه و ابزار که باقی است باید خمس بدهد یا نه ؟
ج - باید خمس بدهد. (۱)

س ۲- شخصی مقداری کتاب خریده و هنوز همهء کتابها را مطالعه نکرده و به مرور زمان مطالعه می کند اگر سر سال رسید خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج - اگر تهیهء آن جزء احتیاجات او محسوب می شود و مورد حاجت است خمس ندارد. (۲)

س ۳- آیا به وجهی که برای زیارت مستحب به حساب مربوطه واریز می شود اگر در سالهای بعد مشرف شود خمس تعلق می گیرد؟
ج - در فرض مذکور خمس دارد (۳)

۱ - استفتائات

ج ۱ ص ۳۷۱ س ۷۸

۲ - همان

ص ۳۷۴ س ۹۱

۳ - همان

ص ۳۸ س ۱۸

مصرف خمس و شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد

خمس مال را باید دو قسمت کرد

نصف آن را

که سهم امام زمان (ع) است به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می‌کند

یا نماینده او می‌پردازد.

و نصف دیگر را باید

یا به مجتهد جامع الشرایط بدهد و یا اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.(۱) شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:

فقیر باشد

یا در سفر مانده باشد

هر چند در شهر خود فقیر نباشد.

شیعه دوازده امامی باشد.

آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس کمک بر گناه او نباشد.

از افرادی که مخارج آنان بر عهده اوست؛ مانند همسر و فرزند نباشد (بنابر احتیاط واجب)(۲).

۷۴۶

استفتاء

س - دولت جمهوری اسلامی از حقوقی که به کارمندان خود می‌دهد مبلغی را به نام مالیات برداشت می‌نماید و تنها حقوق بگیران هستند که این مالیات را می‌دهند

آیا پرداخت مالیات از نظر شرعی جزء کدام وجوهات حساب می‌شود

خمس یا زکات؟

ج - مالیات

بابت وجوه شرعیّه محسوب نیست . (۳)